



آقای گلی که پشت خط ماند!

جفای جهانی

در حق ستاره تراکتور

در صفحه ۳

سه‌شنبه ۹ تیر ماه ۱۴۰۵ سال بیستم شماره ۳۵۷۶ قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

سیاست

نقش احزاب و نخبگان در ایجاد «وحدت ملی»

طرح نو؛ سردبیر

امروزه بقا، حیات و بالندگی حکومت‌ها و ملت‌ها، بیش از هر چیز در گرو همبستگی، انسجام و وحدت آحاد و اقشار مختلف جامعه است. در شرایط حساس کنونی که نظام جمهوری اسلامی ایران با انواع ترندها، تحریم‌های ظالمانه اقتصادی و ابزارهای پیچیده جنگ نرم مواجه است، یکی از اصلی‌ترین نشانگاه‌های دشمن، ضربه زدن به «امنیت ملی» و خدشه‌دار کردن «فضای روانی جامعه» از طریق التهاب‌آفرینی و ایجاد تفرقه است. در این میان، احزاب، سیاسیون و نخبگان فکری و اجرایی به عنوان حلقه‌های واسط میان حاکمیت و مردم، نقشی کلیدی و راهبردی در خشتی‌سازی این توطئه‌ها و تحقق انسجام ملی بر عهده دارند. خواست و هدف اصلی دشمن از بین بردن امنیت کشور و گرفتن این نقطه قوت واضح از جمهوری اسلامی است؛ به همین دلیل است که نیروهای حافظ امنیت همواره مورد هجوم و دشمنی شدید آنان قرار می‌گیرند.

تجربه تاریخی انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که پس از انگیزه الهی، مهم‌ترین رمز پیروزی و تداوم این نهضت، وحدت کلمه آحاد مردم بوده است. امروز نیز برای ترمیم آسیب‌ها و خلل‌های ناشی از هشت سال جنگ تحمیلی در گذشته و همچنین عبور از بحران‌های تحریم اقتصادی و جنگ نرم دشمن در زمان حال، دوری از تفرقه و تکیه بر همبستگی همگانی یک ضرورت حیاتی به شمار می‌رود. دشمنان قسم‌خورده این مرز و بوم به خوبی درک کرده‌اند که قدرت سخت آنان توان مقابله با ایران یکپارچه را ندارد؛ از این رو، تمام توان تبلیغاتی خود و میلیاردها دلار سرمایه را صرف شایعه‌پراکنی، دروغ‌پردازی و ایجاد شکاف‌های کاذب در لایه‌های مختلف اجتماعی کرده‌اند تا از این طریق امنیت روانی و سیاسی جامعه را مختل سازند. رهبر معظم انقلاب اسلامی با تبیین دقیق این نقشه شوم، مقصود اصلی دشمن را ایجاد التهاب درون جامعه دانسته و تأکید کرده‌اند که آنچه امروز برای کشور از همه چیز لازم‌تر است، وحدت کلمه آحاد ملت، نخبگان و مسئولان در مبانی اصولی است. ایشان آرامش فضای....

روزنامه کثیرالانتشار

طرح نو

طرح نو بررسی می‌کند:

هویت ملی ایرانی در شعر شاعران آذربایجان

در صفحه ۲



سرمقاله

۶

چگونه فقر، اخلاق اجتماعی را مچاله می‌کند؟

طرح نو؛ شیوا صفری

بازتولید آسیب‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای، ساختاری پیچیده و چندلایه دارد. اما اگر بخواهیم نخی نامرئی را دنبال کنیم که تار و پود بزهکاری، اعتیاد، فروپاشی خانواده و سقوط اخلاقی را به هم متصل می‌کند، بدون شک به واژه‌ای بنیادین و ریشه‌دار به نام «فقر» می‌رسیم. فقر پدیده‌ای تک‌بعدی نیست که صرفاً در خالی بودن جیب‌ها خلاصه شود؛ فقر یک جریان فرساینده است که ابتدا معیشت، سپس کرامت و در نهایت هنجارهای یک جامعه را نشانه می‌رود. در جامعه‌ای که درصد قابل‌توجهی از شهروندان زیر خط بقا دست‌وپا می‌زنند، سخن گفتن از توسعه، امنیت روان‌شناختی و پایبندی به اصول اخلاقی، بیشتر به یک شوخی تلخ و فانتزی روشنفکرانه شبیه است تا واقعیت ملموس جامعه. ریشه‌های فقر معمولاً در تاروپود ترکیبی از ناکارآمدی‌های اقتصادی، نابرابری‌های ساختاری، توزیع نامتعادل ثروت، تبعیض‌های سیستماتیک و غنیت خان‌های حمایتی جامع نهفته است. وقتی بیکاری افسارگسیخته با تورم مزمن ساختاری.....

خبر

۱

تأمین امنیت مرزها

و توسعه زیر ساخت‌های ترانزیتی در دستور کار استاندار آذربایجان شرقی

شهری

۸

یادداشتی به بهانه صدور دستور شهردار تبریز برای نصب المان «تبریز، شهر جهانی فرش»؛

فرشی که جهان می‌شناسد،

نمادی که تبریز ندارد

تأمین امنیت مرزها و توسعه زیر ساخت‌های ترانزیتی

در دستور کار استاندار آذربایجان شرقی



سفرهای شهرستانی، ابزاری برای مدیریت مستقیم و رفع چالش‌های میدانی

سفرهای مأموریت‌محور استاندار و مدیران ارشد استان به شهرستان‌ها، فراتر از یک بازدید تشریفاتی، به عنوان ابزاری راهبردی برای مدیریت مستقیم، رصد میدانی پروژه‌های عمرانی و پیوند میان سیاست‌گذاری‌های کلان و نیازهای واقعی مردم در مناطق دورافتاده عمل می‌کند.

این نوع بازدیدهای مستقیم، امکان استماع بی‌واسطه مطالبات شهروندان و رفع گلوگاه‌های اداری و اجرایی را فراهم آورده و سرعت تصمیم‌گیری و اجرای دستورالعمل‌های توسعه را در سطح شهرستان‌ها به شکل محسوس افزایش می‌دهد.

جلفا، دروازه استراتژیک آذربایجان شرقی در همجواری با قفقاز

در این میان، شهرستان جلفا به دلیل موقعیت جغرافیایی منحصربه‌فرد و همجواری با جمهوری آذربایجان و ارمنستان، فراتر از یک شهرستان مرزی، نقش یک «گلوگاه استراتژیک» و دروازه اصلی ورود و خروج کالا و مسافر به منطقه را ایفا می‌کند.

این منطقه که در قلب کریدورهای تجاری بین‌المللی قرار دارد، نقشی کلیدی در سیاست‌های اقتصادی و دیپلماتیک کشور ایفا می‌کند؛ به‌گونه‌ای که ثبات امنیتی، توسعه زیرساخت‌های ترانزیتی و ارتقای سطح خدمات‌رسانی در این مرزها، مستقیماً با پیشرفت اقتصادی کل منطقه و تقویت روابط بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای همسایه گره خورده است.

طرح نو؛ گروه خبر

بهرام سرمست، استاندار آذربایجان شرقی، در سفر یک‌روزه و مأموریت‌محور خود به شهرستان مرزی جلفا، با بازدید از پاسگاه‌های مرزی، پروژه‌های استراتژیک کریدورهای بین‌المللی و پایانه مرزی نوردوز، بر ضرورت تقویت امنیت پایدار و تسهیل تردد در گلوگاه‌های تجاری استان تأکید کرد.

استاندار آذربایجان شرقی در نخستین بخش از سفر خود، با حضور در یادمان شهدای مرزبانی شهرستان جلفا، ضمن قرائت فاتحه به مقام شامخ شهدای عزیز ادای احترام کرد. سرمست در ادامه با حضور در پاسگاه‌های مرزی «علیزاده» و «آذری»، با گفتگو با مرزبانان مستقر در این مناطق، از نقش کلیدی و ایثارگری‌های آنان در صیانت از حریم امنیت ملی و مرزهای جمهوری اسلامی ایران تجلیل کرد. وی با یادآوری نقش برجسته نیروهای مرزبانی در دوران جنگ تحمیلی، از تلاش‌های شبانه‌روزی این نیروها در حفظ امنیت پایدار مناطق مرزی قدردانی و برای آنان در انجام مأموریت‌های دشوار، آرزوی موفقیت کرد.

بررسی پروژه‌های استراتژیک؛ تمرکز بر کریدور جلفا-کاله

استاندار آذربایجان شرقی در ادامه این سفر، از روند پیشرفت پروژه در حال احداث «کریدور جلفا-کاله» بازدید کرد. این پروژه که از اهمیت راهبردی در اتصال زنجیره‌ای مسیرهای تجاری منطقه برخوردار است، تحت نظر دستگاه‌های اجرایی استان در حال پیگیری است تا نقش آذربایجان شرقی را در ترانزیت منطقه تقویت نماید.

مراجعه به پایانه مرزی نوردوز؛ دستور فوری برای رفع معضلات رانندگان و مسافران

در بخش دیگری از این سفر، سرمست با بازدید از پایانه مرزی نوردوز، به صورت مستقیم با رانندگان و مسافران وارد گفتگو شد تا از نزدیک با چالش‌های موجود در این گلوگاه مهم مرزی آشنا شود.

استاندار آذربایجان شرقی با استماع بی‌واسطه مطالبات رانندگان و مسافران، بر ضرورت ارتقای سطح خدمات‌رسانی تأکید کرد. وی در واکنش به چالش‌های موجود، دستور اکید به دستگاه‌های اجرایی مربوطه را صادر کرد تا با ارائه یک جدول زمان‌بندی مشخص، اقدامات لازم را جهت «کاهش زمان انتظار» و «توسعه زیرساخت‌های رفاهی» در پایانه نوردوز به انجام برسانند.

بهره‌برداری از آن، بخشی از نیازهای آبی شرب و

صنعتی منطقه تأمین می‌شود.

پروژه ملی انتقال آب ارس به دشت شبستر، مرند و تبریز با هدف تأمین آب شرب پایدار و مصارف صنعتی این مناطق تعریف شده است. این طرح علاوه بر رفع محدودیت‌های منابع آب زیرزمینی در شمال و مرکز استان آذربایجان‌شرقی، نقش پادفند غیرعامل را برای کلان‌شهر تبریز در مواجهه با بحران‌های آبی ایفا می‌کند.

پیگیری تأمین اعتبار ۲۵ هزار میلیارد تومانی برای بزرگ‌ترین طرح آبی آذربایجان شرقی

بازدید سیدحمید پورمحمدی معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور به همراه استاندار آذربایجان‌شرقی و جمعی از مسئولان استانی از پروژه انتقال آب ارس در روستای گلین‌قیه جلفا

سیدحمید پورمحمدی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور، روز ۶ تیرماه از پروژه انتقال آب ارس در روستای گلین‌قیه جلفا بازدید کرده بود. در جریان این بازدید که با حضور استاندار آذربایجان‌شرقی، نمایندگان شهرستان‌های مرند و جلفا در مجلس شورای اسلامی و جمعی از مدیران اجرایی انجام شد، آخرین وضعیت اجرای این طرح، روند پیشرفت فیزیکی و نیازهای اعتباری آن بررسی شد. پروژه انتقال آب ارس از طرح‌های مهم تأمین آب در آذربایجان‌شرقی است که با هدف کاهش تنش آبی و تقویت زیرساخت‌های آبی منطقه در حال اجراست. عملیات اجرایی این ابرپروژه به دلیل حجم بالای سرمایه‌گذاری و عبور از مناطق کوهستانی و ناهموار، نیازمند اعتبارات کلان ملی است. پیش از این، بخش‌هایی از خط انتقال و ایستگاه‌های پمپاژ اولیه با اتکا به اعتبارات صندوق توسعه ملی و منابع استانی احداث شده بود و اکنون با سفر مسئولان ارشد کشوری و استانی به منطقه، روند تأمین اعتبارات تکمیلی آن وارد فاز جدیدی شده است.



طرح نو؛ گروه گزارش

مدیر منابع آب جلفا از پیگیری برای تأمین ۲۵ هزار میلیارد تومان اعتبار مورد نیاز جهت تکمیل پروژه استراتژیک انتقال آب ارس در جریان بازدید معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور از این طرح خبر داد.

«ناصر درخشانی» اظهار کرد: معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور در جریان بازدید میدانی از پروژه انتقال آب ارس در روستای گلین‌قیه، پس از بررسی گزارش‌های فنی و اجرایی، بر عزم جدی دولت برای تکمیل این طرح زیرساختی و تأمین منابع مالی آن تأکید کرد. پیگیری تأمین اعتبار ۲۵ هزار میلیارد تومانی برای بزرگ‌ترین طرح آبی آذربایجان‌شرقی

درخشانی: تکمیل پروژه انتقال آب ارس، از مهم‌ترین اولویت‌های آبی منطقه است

وی افزود: در این بازدید که با حضور استاندار آذربایجان‌شرقی، نمایندگان شهرستان‌های مرند و جلفا در مجلس شورای اسلامی و جمعی از مدیران اجرایی انجام شد، روند پیشرفت فیزیکی پروژه و نیازهای اعتباری آن مورد بررسی قرار گرفت. درخشانی با اشاره به مشخصات فنی این طرح

کاهش تنش آبی در آذربایجان‌شرقی است و با

طرح نو بررسی می کند:

هویت ملی ایرانی در شعر شاعران آذربایجان

طرح نو؛ سردبیر

هویت هر فرد، ریشه در پهنه‌ای به نام میهن دارد که بر بستر تاریخ، فرهنگ، باورها و آرمان‌های مشترک شکل گرفته است. در این میان، هویت ایرانی تجلی‌گاه پیوند پایدار و چندهزارساله‌ای است که تمام اقوام این سرزمین را حول محور یک هویت ملی مشترک متحد ساخته است. آذربایجان در این سوی ارس و سرزمین اران و شروان در آن سوی ارس، به عنوان یکی از ارکان بنیادین و گهواره‌های اصلی فرهنگ و تمدن ایرانی، نقشی بی‌بدیل در شکل‌گیری و تداوم این اصالت تاریخی داشته اند. مردم این دیار سرفراز، به‌ویژه شاعران، ادیبان و اندیشمندان نام‌دار آن، در طول قرون و اعصار متمادی همواره با فداکاری و سرفرازی در راه پاسداشت و صیانت از مرزهای فرهنگی و هویتی ایران‌زمین پیش‌قدم بوده‌اند. تجلی این عرق ملی و دل‌بستگی عمیق به وطن را می‌توان به وضوح در آثار ماندگار سخن‌سرایان این دو منطقه مشاهده کرد؛ سروده‌هایی که عشق به ایران، مفاخر ملی و یکپارچگی این مرز و بوم در تار و پود آن‌ها موج می‌زند. نگاهی به تاریخ ادبیات این خطه نشان می‌دهد که چگونه نخبگان آذربایجانی با سلاح قلم و جادوی کلام، از میراث مشترک ایرانیان حراست کرده و هویت ملی را فراتر از مرزهای قومیتی پاس داشته‌اند. در ادامه، جلوه‌های این همبستگی و بازتاب درخشان هویت ملی ایران در آثار و اشعار برخی از نام‌آورترین و برجسته‌ترین شاعران آذربایجان بررسی می‌شود تا عمق این پیوند ناگسستنی آشکارتر گردد.

نظامی گنجوی

اگر بخواهیم دو چهره را به عنوان ایرانی‌ترین عناصر هویتی ادبیات برگزینیم، بی‌شک حکیم فردوسی و نظامی گنجوی، شاعر پرآوازه گنجه، در صدر قرار می‌گیرند. فردوسی با خلق شاهکار سرگ خود، شاهنامه، سند ماندگار هویت و اصالت ایرانی را برای همیشه ثبت کرد. نظامی نیز به عنوان خلف برحق و ادامه‌دهنده راه سخنگوی دانای طوس، به بازگویی ناگفته‌های تاریخ و اسطوره‌هایی پرداخت که فردوسی فرصت پرداختن به آن‌ها را نیافته بود. این حماسه‌سرای بزرگ گنجه، سه منظومه از پنج گنج شعری خود (خمسه) را به طور کامل به فرهنگ، تاریخ و قهرمانان باستانی ایران اختصاص داد. بدین ترتیب، نظامی با پیوند زدن روایات تاریخی به جادوی شعر غنایی، نقشی بی‌بدیل در تداوم و تکامل هویت ملی ایرانیان ایفا کرد و پاسدار راستین میراث نیاکان شد. او در اسکندرنامه‌اش با چه دریغ و افسوس‌ی از گذشتهٔ ایران یاد می‌کند:

درخت کیانی درآمد به خاک

بغلنید در خون، تن زخمساک

تن مرزبان دید در خاک و خون

کلاه کیانی شده سرنگون

سلیمانی افتاده در پیان مور

همان پشهٔ ای کرده بر پیل، زور

بهار فریدون و گلزار جسم

به باد خزان گشته تاراج غم

و حکیم نظامی همان شاعری است که به خاطر عرق ملی و

ادای حقّ وطنی، ایران را «دل‌عالم» می‌نامد و از این قیاس هم به هیچ وجه احساس شرمندگی نمی‌کند:

همه عالم تن است، ایران دل

نیست گوینده زین قیاس خجل

چون که ایران دل زمین باشد

دل ز تن به بود، یقین باشد

و آن نظامی که شرح حملات ناجوانمردانهٔ روس را در سال‌های ۵۷۰ – ۵۵۰ء ق با چه سوز دلی شرح می‌دهد:

که فریاد شاه‌ا ز بیداد روس

که از مهد آبخاز بستند عروس

به تاراج بُرد آن بر و بوم را

که ره بسته باد آن پی شوم را

ز روسی نجوید کسی مردمی

که جز گوهری نیستش ز آدمی

خاقانی شروانی

خاقانی شیروانی دیگر شاعر آذربایجانی که ایوان مدائن اش معروف‌ترین اشعار وطنیهٔ آن هم در زمانی که از سفر روحانی حج برمی‌گشت هویت ایرانی را با خون دل شیرین و گل پرویز را با هویت مذهبی ایرانیان پیوند می‌زند و این قطعه را ارمغان مکه اش می‌نامد:

گر زاد ره مکه تحفه است به هر شهری

تو زاد مـدائنِ بر، تحفه ز پی شروان

خاقانی در جایی دیگر با اشاره به میهمانان ناخوانده و فجایعی که در آذربایجان پیش می‌آورند تماماً هویت ملیِ خود را به نمایش می‌گذارد:

چون غلام توست خاقانی، تو نیز

جـز غـلام خسـرو اِیـران مـشو

قطران تبریزی

قطران تبریزی، نخستین آذربایجانی پارسی‌گو که دیوانش پر است از نمادها و سمبل های هویت ایرانی و اسطوره‌ای در قصیده‌ای برای مملوح خود امیر ابوالحسن علی لشکری، وی را بازماندهٔ سلسله های قدیمی ایرانیان می‌نامد:

این جهان بوده است دائم ملکت ساسانیان

باز سالارش خدا بر ملکـت ساسان کند

نیست کس در گوهر ساسانیان چون لشکری

تا پس آن چون نیاکان، شاهی ایران کند

او به تخت ملک ایران بر نشیند در سطرخ

کـهـترین فرزند خود را مهـتر آران کند

تمام شاعران آذربایجان بدون استثناء در دیوان هایشان به قدر کافی به هویت ملیِ ایرانی خود پرداخته‌اند و اگر اشارهٔ کوتاهی هم به آنها بشود مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد شد. ناگفته نباید گذاشت که شهریار» خود بیانگر عشق پاکش به ایران و ایرانی و خود نماد و سمبل ایران و ایرانی است و به گفتهٔ خودش «به خون دانی چه بندم نقش؟ ایران»

استاد علی نظامی تبریزی

اکثر شعرای گذشته و حال، اشعاری هم مضمون با قصیدهٔ

معروف ایوان مداین خاقانی سروده اند. اگر با دیدهٔ انصاف بنگریم مثنوی استاد نظامی با عنوان «ایوان مداین و انوشیروان» بهترین انتخاب می‌باشد. استاد در این مثنوی به فرمانروایان و ستمگران زمانه هشدار می‌دهد که:

تو را جـاودان نیست این جایگاه

مکن در غمش خویشتن را تباه

چه بردند با خویش ازین مرز و بوم

چه سلطان ایران چه سالار روم؟

استاد نظامی تبریزی با یادآوری ظلم و جور حکومت‌ها در حقّ مردم ایران قطعهٔ «فغان ایرانی» را در سال ۱۳۵۶ می‌سراید و تأکید می‌کند که در طول تاریخ ایران‌زمین حتّی شیبانان (دیکتاتورها و مستبدین) لیاقت پاسبانی گلهٔ (مردم) را نداشتند: اگرچه آتش غم سوخت جان ایرانی! مجال شکوه نندارد زبان ایرانی! کجا ز آفت گرگان توانم ایمن شد؟ که پاس گله نندارد شِبان ایرانی! امید نان و نـوا نیست در ولایت ما

که دیگران بخوندن آب و نان ایرانی

به هر قبیله و قومی نشانه‌ای باشد

بود حماسه و همّت، نشان ایرانی

استاد در سرودهٔ دیگری با نام «مقام فردوسی» چاپ شده در جلد اوّل دیوان اشعار، حکیم فردوسی را بسی گرامی می‌دارد و معتقد است که اگر فردوسی نبود، امروز از عزّت، شوکت و هویت و فرهنگ ایرانی اثری نمانده بود. نام آوران این سرزمین در شعر و شاعری پر تعداد بوده‌اند اما کاری که فردوسی کرده از قلم هیچ کدام از آن سرایندگان ساخته نبود:

توئی کزِ پس روزگاری دراز

ز نام تو ایران بود سرفراز

توئی مایهٔ فخر ایران ما

ز تو زنده نام دلیران ما

این مثنوی استاد نظامی هم وزن با شاهنامهٔ فردوسی می‌باشد و در پایان آن ضمن هزاران سپاس از فردوسی و منظومه اش چنین می‌گوید که اگر فردوسی نبود، ایرانیِ بخت برگشته هیچ نشانی از هویت ملی اش نداشت:

اگر کلکت این نامه نوشته بود

عجم را دگر، بخت برگشته بود

مرا «نظمی» آن مایه دانش نبود

که در وصف فردوسی آرم سرود

نظمی تبریزی در قطعهٔ دیگری به نام «پهلوی و پهلوان» با اشاره به ناجوانمردی سلسلهٔ پهلوی در حقّ جهان پهلوان تختی، از جوانانی سخن می‌راند که در سال ۱۳۵۷ طومار این سلسله را در هم پیچیدند و ثابت نمودند که ایران نه فقط یک پهلوان بلکه هزاران پهلوان مانند تختی دارد:

خوشا ایران که شیرانند اینجا

به بازی شیرگیرانند اینجا

خوشا ایران و ایرانی که دیگر

نه از آشوب می‌ترسد نه از شر

گر این کشور ز چنگیز و سکندر

به خود هنگامه‌ها دیده ست و ایدر

سه‌شنبه ۹ تیر ماه ۱۴۰۵

سال بیستم – شماره ۳۵۷۶

۲

آخرای ارتش دلاور ما

ای نگهدار کشور ایران

تار و مارش کنبد و مگذاړد

بگذرد دشمن از بیر ایران

در دل استوار ما «نظمی»

کی بود اضطراب و لرزانی؟

می‌ستیزیم تا سعادت و بخت

با که دارد شهادت ارزانی

استاد نظمی در مصاحبه‌ای که سال‌ها پیش با روزنامه طرح نو داشتند، با اشاره به کم‌کاری انجمن های ادبی و شب‌های شعر در اصفهان، شیراز، کاشان و تبریز به نقش مؤثر زبان فارسی در آذربایجان می‌پردازد و خاطرنشان می‌کند که زبان فارسی، زبان ملی ما و زبان ترکی، زبان مادری ماست. ما باید در پاسداشت زبان فارسی کوشا باشیم سپس با اشاره به سرزمین پهناور ایران می‌گوید: «من نمی‌دانم شیراز کجاست، اصفهان کجاست، تبریز کجاست؛ فقط می‌دانم که:

همه جای ایران سرای من است

که نیک و بدش از برای من است

نظمی، علاقهٔ خاصی به سرزمینش ایران و زادگاهش تبریز داشت. و پیش از فوت، بنا به درخواست یکی از دوستانش قطعه شعری به نام «ایرانی‌ام و فدای ایران» سروده و نهایت عشق و علاقه و میهن پرستی خود را در توصیف ایران اثبات نمودند تا آنجا که گفته بودند: هر کسی که دوستدار ایران نیست

پس دوستی من نیز با چنین کسی ننگ آور باشد:

ایران من ای دیار هوشنگ

ای مهد کمال و فُر و فرهنگ

آنی توکه عزّت تو داده ست

بر چهره روزگار ما رنگ

آنی تو که برخی از سلاطین

تسلیم تو کرد تاج و اورنگ

نـسوان تو مظهر وقارند

مردان تو شیر آهنین جنگ

دشمن ز صلابت تو دیده ست

آنها که ندید شیشه از سنگ

بدخواه تو را همیشه بوده ست

میدان فراخ آرزو تنگ

گامی ز تو هر که دور باشد

دورم من از او، هزار فرسنگ

هرکس که نگشت دوستدارت

از دوستی اش بود مرا ننگ

دامان تو هست تا به چنگم

بر دامن کس نمی‌زنم چنگ

باشد که رخ تو سیر بینم

ز آیین دل زدوده‌ام زنگ

گر نیک بدیدم از تو ور بد

پیشانی من ندیدم آژنگ

«نظمی» مـشتی ز خاک پاکت

نفروخت به گوهری گران سنگ

هر نغمه که می‌زنند اغیار

در گوش من است خارج آهنگ

ایرانی ام و فـسـدای ایران

با من سخنی مگو ز آفرنگ

هنوزش ملک و ملّت سرفراز است
به شوکت پرچمش در اهتزاز است
نظمی، سال ۱۳۵۷ در گرماگرم انقلاب با توجّه به اینکه جوانان ایرانی در گوشه و کنار ایران شهید می‌شدند، کوی و برزن و شهرهای ایران را به کربلا و شهیدان پاکش تشبیه می‌کند:

ناله سر کن «نظمی» از روی وفا

بهر ایرانی که در چندین بلاست

در عزای راه حقّ پسیمودگان

هرکسی را دل به داغی مبتلاست

خواست این در خاک و خون غلنیدگان

هرچه دشمن باز پوشد بر ملاست

هر دم از خـون شهیدان وطن

کوی و برزن کربلا در کربلاست

شهریور ماه ۱۳۵۹ هنوز دو سالی از انقلاب سپری نشده بود

که صدام با کمک استیکار جهانی، جنگ را به ایران تحمیل کرد. در اوایل جنگ، استاد نظمی از زبان یک سرباز ایرانی که به عنوان اوّلین شهید جنگ به تبریز آوردند سخن می‌گوید:

نوزده ساله نوجوان بـودم

که به تـیر ستمگری مردم

مردنم چون برای کشور بود

آخ هم بر زبان نـیـاوردم

من چنان مرده ام که از مردن

رـشـگ رازی و رومی و کـردم

مرگم ایران بزرگ خواهد کرد

گرچه من در خیال خود خردم

نظمی وطن پرست با توجّه به انبوه شهیدان وطن، عید سال ۱۳۶۰ را در چکامه‌ای «عید سیاه» می‌نامد و به خاطر بی پدر شدن کودکان و پدران بی‌فرزند، رو به جوانان وطن چنین می‌گوید که با سرکوب دشمن جزو افتخارات جنگ باشید:

عید-نوروز می‌رسد امّا

جای شادی هزار غم دارد

آسمان در زمین ما ریزد

هرچه در آستین ستم دارد

همّتی، ای دلاوران وطن

همه از هر کرانه برخیزید

دشمن از هر طرف که می‌تازد

خون و آتش بهم برآمیزید

پاس دارید، پاسداران را

که ز هر سو به خصم می‌تازند

بستر از خاک و خون کنند، ولی

نام ایران بلند می‌سازند

بگذر ای هموطن به جبههٔ جنگ

یار و همسنگر دلیران باش

یا مـنـه نام خویش ایرانی

یا به جان پاسدار ایران باش

رسیدن به این مقصود و صیانت از دستاوردهای انقلاب، شناخت و از بین بردن عوامل مخل وحدت، یک وظیفهٔ همگانی است. یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌هایی که فضای روانی جامعه را تهدید می‌کند، رواج اخلاق بی‌انصافی، بی‌اعتمادی و بدبینی میان اقشار و جریانات مختلف است. اعتماد، همان پیونددهنده اصلی اجزای اجتماع است که اگر ضعیف شود، ناهمگرایی و گسستگی ایجاد کرده و کشور را در بزنگاه‌های تاریخی با خطرات جدی و خطرآفرین مواجه خواهد ساخت. عامل کلیدی دیگر در ایجاد شکاف‌های اجتماعی، نداشتن تحمل و مدارا نسبت به آراء، افکار و گروه‌های غیرهمسو است. عدم تحمل، روی دیگر سکه خشونت‌طلبی است. از این رو، مدبران، سیاستون و نخبگان جامعه باید این شاخص مهم وحدت ملی، یعنی سعه صدر و مدارا در رفتار با مخالفان و رقبای سیاسی خود را به طور جدی لحاظ کنند. برای نهداینه‌شدن این فرهنگ در لایه‌های پایین و توده‌های مردم، ابتدا باید مدبران و احزاب در سطح کلان به یک تفاهم متقابل، گفتگو، تعامل و اجماع‌نظر در هدف‌ها و جهت‌گیری‌های مشترک دست یابند. یک قشر یا گروه به تنهایی قادر به ساختن کل اجتماع و عبور از موانع بزرگ نیست؛ تمام گروه‌ها و احزاب فعال باید در عین حفظ هویت و چندگروه بودن، در برابر استکبار و جبهه کفر که دست از تلاش برای تجزیه و تکه‌تکه کردن ایران برنمی‌دارد، ید واحده باشند. رهبر معظم انقلاب نیز همواره همه را به این وحدت دعوت کرده و تاکید فرموده‌اند که از دستگاه‌های حافظ امنیت تا فعالان عرصه فکر و تبلیغ و آحاد مردم، باید در برابر جریانی که به جان، امنیت و مقدسات مردم بی‌احترامی روا می‌دارد، منسجم و متحد عمل کنند. تنها در سایه این تعامل، شناخت عوامل تفرقه‌افکن و وفاق نخبگانی است که هماهنگی ملی شکل گرفته و امنیت و آسایش پایدار برای آحاد مردم عزیز به ارمغان خواهد آمد.

یکی از ابزارهای اصلی طراحان و سیاستمداران جنگ نرم در غرب برای ایجاد اختلاف میان مردم، تحریک گسست‌های قومی و ملیتی است. ایران اسلامی با تنوع زیبایی از اقوام ترک، کرد، لر، عرب، بلوچ و… همواره نماد یکپارچگی بوده است، و بدبینی میان اقشار و جریانات مختلف است. اعتماد، همان یا ناآگاهانه، هیزم‌بیار آتش تفرقه شوند و برادر مسلمان را در مقابل برادر مسلمان قرار دهند. بنیان‌گذار کبیر انقلاب، امام خمینی (ره) در وصیت تاریخی خود همواره بر حفظ این انگیزه الهی و خنثی‌کردن تبلیغات تفرقه‌افکن خانه‌برانداز تاکید داشته و افزایش انسجام به هر روش ممکن را عامل مایوس‌شدن کفار و منافقان دانسته و خواستار عکس‌العمل جدی در برابر این توطئه‌ها شده‌اند. عاقلانه نیست که با دامن زدن به چنددستگی‌های قومی، مذهبی یا حزبی، به این دشمنی‌ها کمک کنیم؛ بلکه هرچه فشارهای خارجی بیشتر می‌شود، باید صفوف ملت فشرده‌تر و اتحاد محکم‌تر گردد تا شکاف‌های گذشته نیز پر شود. در این برهه حساس، وظیفه تمام احزاب و سیاستون این است که اختلافات دیرینه را کنار گذاشته و برای حفظ تمامیت ارضی یکصدا ایستادگی کنند. آباد کردن کشور از لحاظ علمی، فرهنگی و اعتقادی ممکن نیست مگر با همیاری تمام اقشار و احزاب فعال.

مدارا و اعتماد متقابل برای تحکیم امنیت ملی

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و پذیرش و تایید هویت اسلامی-ایرانی توسط اقشار مختلف، قرابت و همدلی عمیقی میان احزاب و لایه‌های جامعه ایجاد شد. دستاور بزرگ و بی‌بدیل این وحدت ملی، تحقق و پایدارسازی «امنیت ملی» برای کشور است؛ امری که زمینه آسایش، رفاه و توسعه را فراهم می‌سازد. همین امنیت پایدار است که باعث برافروختگی و بی‌اعتمادی متقابل دچار شود (که متأسفانه با کمی دقت می‌توان رد پای آن‌ها را کم‌وبیش در جامعه کنونی دید)، بستر برای نفوذ جریانات تفرقه‌افکن مهیا می‌گردد.

خارجی خود برای ضربه زدن به بدنه آن استفاده کند. برای



دانسته و تأکید کرده‌اند که آنچه امروز برای کشور از همه چیز لازم‌تر است، وحدت کلمه آحاد ملت، نخبگان و مسئولان در مبانی اصولی است. ایشان آراмыш فضای روانی و احساس امنیت سیاسی و روانی مردم را رکنی اساسی می‌دانند که باید با هوشیاری کامل از آن صیانت شود. البته گاهی خود ما نیز نادانسته این التهاب‌ها را افزایش می‌دهیم؛ نگرانی اصلی در این میان، انتقاد کردن یا حرف زدن نیست، بلکه رایج شدن اخلاق بی‌انصافی در جامعه است که آسیب‌های جدی به همراه دارد.

تفاهم جمعی زیربنای عبور از گسست‌های قومی

وحدت و انسجام ملی هرگز به معنای نفی تفاوت‌ها، سلیقه‌ها، زبان‌ها یا گرایش‌های حزبی و سیاسی نیست؛ بلکه به معنای موافقت، وفاق جمعی و رضایت عموم اعضای جامعه بر سر

گزارش

آقای گلی که پشت خط ماند!

جفای جهانی در حق ستاره تراکتور



۶۰ وارد زمین شد، درست در زمانی که ریتم بازی تا حد زیادی شکل گرفته بود و فرصت چندانی برای اثرگذاری در اختیار این مهاجم آماده قرار نگرفت. در مسابقه دوم برابر بلژیک نیز شرایط چندان متفاوت نبود. حسین‌زاده تنها در دقایق پایانی وارد میدان شد. حضور

کوتاهی که عملاً اجازه نداد توانایی‌های گلزنی و تحرک بالای او در خط حمله تیم ملی به نمایش گذاشته شود. اوج این ماجرا در دیدار مقابل مصر رقم خورد، جایی که مهاجم آماده فوتبال ایران حتی فرصت حضور در زمین را هم پیدا نکرد و تمام مسابقه را روی نیمکت

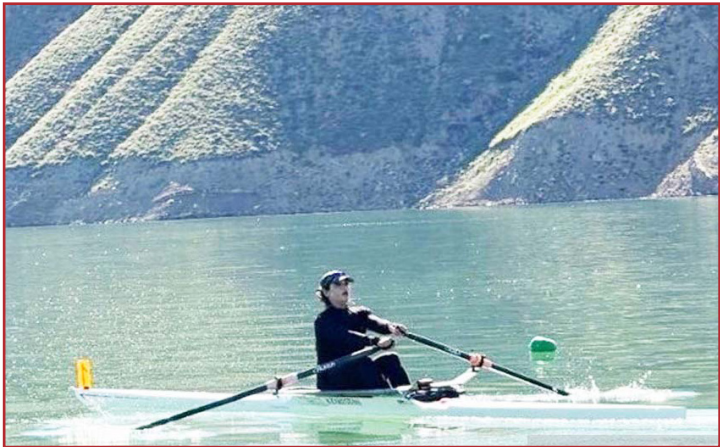
طرح‌نو؛ گروه ورزش ستاره گلزن تراکتوری‌ها که در دو فصل گذشته لیگ برتر آقای گل این مسابقات بود، در جام جهانی مورد ناههربانی بزرگی قرار گرفت.

نام امیرحسین حسین‌زاده در بین فهرست بازیکنان اعزامی ایران به جام جهانی برای هواداران فوتبال کشور تداعی‌گر آماده‌ترین مهاجم در دو فصل اخیر بود. فوروارد جوان تی‌تی‌ها که با عملکرد درخشان عنوان بهترین گلزن لیگ برتر ایران را به دست آورد و انتظار میرفت در بزرگترین ویت‌ترین فوتبال جهان نیز فرصت بیشتری برای درخشش پیدا کند.

حسین‌زاده اما در جام جهانی سهم چندانی از میدان نداشت که این موضوع برای بسیاری از کارشناسان و هواداران جای سوال باقی گذاشت. او در دیدار نخست تیم ملی مقابل نیوزیلند از دقیقه

گزارش

آغاز طرح بزرگ استعدادیابی روئینگ آذربایجان شرقی برای درخشش در ناگویا



طرح‌نو؛ گروه ورزش

سرپرست هیئت روئینگ آذربایجان‌شرقی از آغاز طرح بزرگ استعدادیابی این استان برای درخشش در مسابقات ناگویا خبر داد. به گزارش نصر، ورزش‌های آبی، به‌ویژه رشته «روئینگ» از جمله رشته‌های پرمدل در آوردگاه‌های مهم بین‌المللی نظیر بازی‌های آسیایی و المپیک محسوب می‌شوند. کشورهای توسعه‌یافته در ورزش، همواره برای ارتقای جایگاه خود در جدول رده‌بندی مدال‌ها، سرمایه‌گذاری ویژه‌ای روی چنین رشته‌هایی انجام می‌دهند. در این میان، استان آذربایجان شرقی با توجه به پتانسیل‌های فیزیکی جوانان خود و همچنین بهره‌مندی از منابع آبی و سدهای مناسب، ظرفیت بالایی برای تبدیل شدن به یکی از قطب‌های اصلی این

تبریز، نه تنها به کشف استعدادهای جدید کمک می‌کند، بلکه با تمرکز بر توسعه همگانی و قهرمانی به‌صورت همزمان، می‌تواند پشتوانه‌ای قوی برای تیم‌های ملی در دو بخش بانوان و آقایان بسازد. علی‌سعدتی، سرپرست هیئت روئینگ استان آذربایجان شرقی با اشاره به اهمیت ویژه برنامه‌ریزی برای رویدادهای بین‌المللی اظهار داشت: ورزش روئینگ به جهت تعداد مدال‌های توزیع شده در مسابقات برون‌مرزی، خصوصاً بازی‌های آسیایی ناگویا، برای ورزش استان از اهمیت بالایی برخوردار است. این رشته مدال‌آور بوده و نیازمند توجه و حمایت بیشتری است.

بازی‌های آسیایی ناگویا در پیش است و موفقیت در این رقابت‌ها نیازمند برنامه‌ریزی علمی و بلندمدت است. عبور از نگاه‌های مقطعی و روی آوردن به استعدادیابی‌های پایه‌ای با در نظر گرفتن شاخص‌های استاندارد پیکرسنجی (نظیر قد و طول دست)، نشان‌دهنده تغییر رویکرد هیئت‌های ورزشی به سمت حرفه‌ای‌سازی است. روئینگ رشته‌ای است که فیزیک بدنی در آن حرف اول را می‌زند و غربالگری دقیق استعدادها در سنین پایه، مسیر رسیدن به مدال را هموارتر می‌کند.

از سوی دیگر، توسعه زیرساخت‌ها در کنار استعدادیابی، دو بال پرواز برای هر رشته ورزشی هستند. ایجاد مراکز تخصصی و پایگاه‌های قهرمانی در سطح کلان‌شهر

۱۷۰ سانتی‌متر تعیین شده است. همچنین شاخص وزن (طول دست) ۹۵ برای پسران و ۸۵ برای دختران مدنظر قرار دارد. سعادت‌ی با ابراز امیدواری نسبت به آینده این رشته گفت: روئینگ از جمله رشته‌هایی است که امیدواریم در مسابقات ناگویا و المپیک برای کشور افتخارآفرین باشد. هدف ما این است که با یک برنامه‌ریزی بلندمدت و هماهنگی مستمر، هیئت استان را به جایگاه واقعی و شایسته خود برسانیم.

وی با اشاره به وضعیت بخش بانوان و آقایان در استان خاطرنشان کرد: خوشبختانه حوزه بانوان در این رشته بسیار فعال بوده و ورزشکاران متعددی دارد. امیدواریم در بخش آقایان نیز شاهد پیشرفت‌های چشمگیری باشیم و بتوانیم از ظرفیت سدها و امکانات آبی استان برای برگزاری اردوها و مسابقات مختلف به بهترین شکل بهره‌مند شویم. در کنار قهرمان‌پروری، مقوله توسعه همگانی نیز در دستور کار ما قرار دارد و برنامه‌ها به‌دقت رصد و حمایت می‌شوند.

سرپرست هیئت روئینگ آذربایجان‌شرقی در پایان از یک اتفاق مهم زیرساختی نیز پرده برداشت و خبر داد: در راستای توسعه علمی و عملی این رشته، مرکز تخصصی روئینگ در مجموعه ورزشی رسالت تبریز طی هفته‌های آینده تأسیس و راه‌اندازی خواهد شد.



تا تیم ملی بتواند با اما و اگر راهی مرحله نهایی شود. با این حال پیاتزا و شاگردانش چهار بازی هفته سوم را نباید به این بهانه که شانس حداقلی برای صعود به

تا پایان هفته دوم ۵ پیروزی به دست آورده‌اند و حتی تیم‌های آلمان و صربستان و فرانسه که چهار پیروزی دارند باید بازنده‌های مطلق هفته سوم لیگ ملت‌ها باشند

خبر

بناکار؛ در مس ماندنی شد



طرح‌نو؛ گروه ورزش باشگاه مس سونگون ورزشان از تداوم همکاری تیم والیبال این باشگاه با سرمربی فصل گذشته خود خبر داد.

به گزارش نصر، باشگاه مس‌سونگون ورزشقان، شامگاه یکشنبه ۷ تیر طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد، عادل بناکار، سرمربی فصل گذشته تیم والیبال این باشگاه، در فصل جدید نیز هدایت این تیم را بر عهده خواهد داشت.

متن اطلاعیه باشگاه مس‌سونگون به شرح زیر است:

«عادل بناکار که فصل گذشته موفق شد تیم والیبال مس سونگون ورزشقان را به لیگ برتر کشور برساند، از مربیان برجسته و صاحب‌نام والیبال آذربایجان به شمار می‌رود. وی در بیش از یک دهه فعالیت حرفه‌ای، هدایت تیم‌های مختلفی را در لیگ برتر و لیگ دسته اول والیبال کشور بر عهده داشته و اکنون مأموریت خود را در رأس کادر فنی تیمی ادامه خواهد داد که فصل گذشته، رؤیای حضور در

لیگ برتر را برای آن محقق ساخت.

باشگاه مس سونگون ورزشقان پس از نهایی شدن توافقات، فرآیند تکمیل کادر فنی و ورود به بازار نقل‌وانتقالات را بر اساس نظر سرمربی و کادر فنی با سرعت آغاز خواهد کرد تا در نخستین فصل حضور خود در لیگ برتر والیبال کشور، ضمن رقم زدن تجربه‌ای موفق، جایگاه شایسته‌ای را در سطح اول والیبال ایران به دست آورد.»

گزارش

۴ بازیکن ماندنی، ۱+۳ نفر رفتنی؛

گزارشی از وضعیت خارجی‌های ترکتور



ایگور پوستونسکی، تیبور حالیلوویچ، اودیل‌جان خامرویکوف، رگی لوشکیا و تومیسلاو اشتراک‌نفراتی هستند که همچنان تحت قرارداد با تراکتور بوده و بازیکن این تیم به شمار می‌آیند. در این میان، شرایط لوشکیا کاملاً متفاوت است. با وجود اینکه قرارداد این بازیکن با تراکتور همچنان معتبر است اما او بدون هماهنگی با این باشگاه، راهی لیگ امارات شده و به تیم دیگری پیوسته است.

باشگاه تراکتور با ابراز بی‌اطلاعی از این انتقال، اعلام کرده است که موضوع را از مجاری قانونی پیگیری می‌کند. با این حال، با توجه به شرایط پیش آمده، باید دوران حضور این هافبک آلبانیایی در تبریز را تمام شده دانست.

در آن سوی ماجرا، پرونده سه بازیکن دیگر تقریباً بسته شده است. با پایان مدت قرارداد مارکو یوهانسون، الکساندر سدلار و دوماگوی دروژدک و نیز با توجه به مصوبه جدید فدراسیون فوتبال، شنیده می‌شود که جدایی آن‌ها از جمع تی‌تی‌ها قطعی تلقی می‌شود.

طرح‌نو؛ گروه ورزش باشگاه تراکتور با توجه به مصوبه جدید فدراسیون فوتبال، وضعیت بازیکنان خارجی خود برای فصل آینده را تا حدود زیادی شفاف کرده است. به گزارش خبرنگار گروه ورزشی پایگاه خبری تحلیلی «آناج»، با ابلاغ مصوبه جدید فدراسیون فوتبال مبنی بر کاهش ۵۰ درصدی سهمیه جذب بازیکنان خارجی برای فصل آینده، تیم‌های لیگ برتری با چالش‌های جدیدی برای بستن لیست خود مواجه شده‌اند.

البته فدراسیون در این مصوبه تبصره‌ای را گنجانده است که بر اساس آن، بازیکنان خارجی که در حال حاضر تحت قرارداد با باشگاه‌های خود هستند، مشکلی برای ادامه همکاری نخواهند داشت. در همین راستا، اخبار رسیده از باشگاه تراکتور حاکی از آن است که مدیریت این باشگاه وضعیت لژیونرهای خود را برای فصل آتی شفاف کرده است. با این حال، تصمیم نهایی بر عهده کادرفنی خواهد بود.

طبق اطلاعات دریافتی، پنج بازیکن خارجی تراکتور همچنان با این باشگاه قرارداد رسمی دارند.

گزارش

چرا هفته سوم لیگ ملت‌های والیبال برای ایران مهم است؟

سئوال که در آخر مسابقه به بازیکنان چه مطلبی گفتی؟ اظهار داشت: «این موضوع با بازیکنان خواهد ماند. مطمئناً از طرف من به بیرون درز نخواهد کرد. اما مطمئناً که یکی از بازیکنان درباره‌اش صحبت خواهد کرد؛ صد درصد مطمئنم. به نظر من همه چیز باید در رختکن بماند. دقیقاً می‌دانم که اینجا این‌طور نیست. واقعاً این‌طور نیست. این مشکل اصلی است، متوجه هستید؟» کاری که میلاد تقوی باید انجام دهد حفظ آرامش تیم ملی است و برای این کار در وهله اول پیاتزا را باید مدیریت کرد و اجازه نداد این مربی درگیر حواشی شود. هنوز مشخص نیست لیست تیم ملی برای هفته سوم تغییر خواهد کرد یا نه؛ اما با توجه به اینکه پیاتزا پس از هفته نخست لیگ ملت‌ها، ۴ بازیکن تیم ملی را تغییر داد این احتمال وجود دارد برای هفته سوم هم چنین تصمیمی بگیرد و شاید این بار هم شاهد تغییراتی در این لیست باشیم.

تیم ملی والیبال ایران در بلگراد با تیم‌های اوکراین (۲۴ تیر)، آلمان (۲۵ تیر)، اسلونی (۲۶ تیر) و ترکیه (۲۸ تیر) رقابت می‌کند.

مرحله نهایی دارند، جدی بگیرند. برد مقابل کوبا شرایط روحی ملی‌پوشان را بهتر کرده و این موضوع می‌تواند یک پوئن مثبت برای پیاتزا باشد؛ چه بسا اینکه اگر این بازی هم با شکست ایران تمام می‌شد آن وقت مشخص نبود سرمربی ایتالیایی تیم ملی ایران چگونه می‌توانست بازیکنانش را برای هفته سوم لیگ ملت‌ها آماده کند. ضمن اینکه برای صعود به المپیک ۲۰۲۸، باید قدر امتیازات هر بازی را دانست؛ چرا که یکی از راه‌های کسب سهمیه المپیک، رنکینگ جهانی است. جایی که تیم ملی با ۲۱۲.۴۵ امتیاز در رده شانزدهم است و برای اینکه جزو ۱۰ تیم برتر این رنکینگ باشد باید حداقل ۵۰ امتیاز کسب کند.

نکته‌ای که پیاتزا باید از آن حذر کند عدم ورود به مسائل حاشیه‌ای است. در سال‌های گذشته تیم ملی به شدت درگیر حاشیه‌ها شد و این موضوع روی عملکرد تیم تأثیر منفی بسیار زیادی گذاشت. پس از بازی پایانی هفته نخست لیگ ملت‌ها، پیاتزا صحبت‌هایی در میکسدزون انجام داد که با توجه به تجربه این مربی ایتالیایی، عنوان کردن این صحبت‌ها از او بعید بود. او در پاسخ به این

طرح‌نو؛ گروه ورزش تیم ملی والیبال ایران در هفته سوم لیگ ملت‌ها باید یک هدف مهم را دنبال کند؛ هدفی به جز صعود به مرحله نهایی این رقابت‌ها.

تیم ملی والیبال ایران تا پایان هفته دوم لیگ ملت‌ها تنها ۲ پیروزی به دست آورده و با قرار گرفتن در جایگاه چهاردهم چشم امید به هفته سوم دارد. در این هفته از رقابت‌ها شاگردان پیاتزا در صربستان با تیم‌های اوکراین، آلمان، اسلونی و ترکیه دیدار خواهند کرد و برای اینکه شانس صعود به مرحله نهایی را داشته باشند باید در هر ۴ دیدار خود به پیروزی برسند. هر چند در این شرایط هم صعود تیم ملی، قطعی نخواهد بود و نتایج سایر تیم‌ها هم در صعود یا عدم صعود این تیم تأثیرگذار خواهد بود.

همچون سال گذشته به جای هشت تیم، هفت تیم برتر مرحله گروهی به دور نهایی که در چین برگزار می‌شود صعود خواهند کرد و این یعنی کار ایران برای صعود به مرحله نهایی بسیار سخت است. ضمن اینکه تیم‌هایی همچون اوکراین، ایتالیا، ترکیه، بلغارستان، برزیل که

سحر بلبل
حکایت با صبا کرد

سحر بلبل حکایت با صبا کرد
که عشق روی گل با ما چپها کرد
از آن رنگ رُحم، خون در دل افتاد
وز آن گلشن، به خارم مبتلا کرد
غلام همت آن نازنینم
که کار خیر بی روی و ریا کرد
من از بیگانگان دیگر ننالم
که با من هرچه کرد آن آشنا کرد
گراز سلطان طمع کردم، خطابود
ور از دلبر وفا جُستم، جفا کرد
خوشش باد آن نسیم صبحگاهی
که درد شب نشینان را دوا کرد
نقاب گل کشید و زلف سُبُل
گره بند قیای غنچه وا کرد
به هر سو بلبل عاشق در افغان
تَنم از میان، باد صبا کرد
بشارت بر به کوی می فروشان
که حافظ توبه از زهد ریا کرد
وفا از خواجگان شهر با من
کمال دولت و دین بوالوفا کرد
«حافظ»

بانوان جنگ رمضان سوژه یک مجموعه داستانی می شوند

داستان کوتاه و بین هزار تا هزار و پانصد کلمه نوشته شوند و بر پایه روایت‌های واقعی از جنگ رمضان شکل گرفته باشند. همچنین نویسندگان می‌توانند با درونمایه‌هایی همچون حماسه، غرور ملی، سوگ، احساسات لطیف زنانه یا خاطرات طنز، روایت خود را ارائه کنند.

از میان آثار دریافت‌شده، ۳۰ داستان برگزیده انتخاب و در قالب یک کتاب توسط بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت منتشر خواهد شد.

مهلت ارسال آثار تا ۲۰ مردادماه اعلام شده و علاقه‌مندان می‌توانند فایل Word داستان خود را به شناسه admin_writer@ در شبکه‌هایی اجتماعی ارسال کنند.



طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت با هدف ثبت و روایت نقش بانوان در «جنگ رمضان»، فراخوان نگارش داستان کوتاه بر اساس روایت‌های واقعی این رویداد را منتشر کرد. این فراخوان از نویسندگان دعوت کرده است تا با تکیه بر روایت‌های مستند، داستان‌هایی درباره نقش‌آفرینی بانوان در عرصه‌های مختلف جنگ رمضان به نگارش درآورند. محورهای این فراخوان شامل بانوان شهید و جانباز، امدادگران و کادر درمان، بانوان نخبه و صنعتگر، بانوان حاضر در موب‌ها، بانوان شرکت‌کننده در تجمعات شبانه، بانوان فعال در سنگر خانه و دیگر عرصه‌های اثرگذار است. بر اساس این فراخوان، آثار ارسالی باید در قالب

آرزوی ناتمام یک پدر «قصه‌ای برای حلما»

کوچه مانده به حسینیه امام خمینی از ماشین پیاده شدیم. هرچه به نزدیکی بیت رهبری می‌رسیدیم، ناخودآگاه قدم‌های مان شتاب برمی‌داشت؛ مانند حاجیانی که در سعی صفا و مروه هروله‌کنان خود را به کعبه می‌رسانند.

هنگامی که به در اصلی حسینیه رسیدیم، به صف تفتیش رفتیم. یکی از خواهرانی که مسئول چک ساک‌دستی بود، کیف‌دستی حلما را گشت. بعد از چند دقیقه زیپ کیف را بست. به مرحله بعد رفتیم و دوباره تفتیش. آب جوش حلما از حرارت افتاده بود. از خستگی و بی‌حالی دم افطار دخترم را دست به دست کردم.

مسئول تفتیش از من پرسید: «دیگه وسیله‌ای ندارین؟» جواب دادم: «نه».

و مرا به قسمت اصلی مهمانی هدایت کرد. صدای اشعار مهمانان از داخل حسینیه به گوشم می‌رسید. دوباره تپش قلب به سراغم آمد. به‌همراه دیگران در گوشه‌ای از مجلس نشستم. مادام به این فکر می‌کردم که حتماً هرطور که هست، حلما را در آغوش رهبری بگذارم و ایشان در گوش دخترم اذان بگویند.



خشک، فلاسک آب‌جوش، حوله و غیره. دل تو دلم نبود. باورکردنی نبود. این اولین دفعه بود برای ضیافت افطار در محضر رهبری دعوت شده بودیم. حلما را در بغل گرفتم و آرام‌آرام از پله‌ها پایین رفتم. همه آماده بودند. سوار ماشین شدیم. خیابان به خیابان، بزرگراه به بزرگراه را پشت‌سر گذاشتیم. چند

باقی بماند. همچنین چهره واقعی، پاک و خاکی شهید نجفی را برای مخاطب روشن‌تر می‌کند.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

«هفتم تیرماه ۱۳۹۵ برابر با ۲۱ رمضان، برای آخرین بار همه وسایل حلما را چک کردم؛ شیر

«سقای آب و ادب» به چاپ سی‌ام رسید



و شکبایی در نهایت اقتدار و کظم و خویشتنداری در عین صولت و شجاعت.

عباس اینک کوه آتش‌فشان خاموشی است که اگر اراده کند گدازه‌های خشمش تمام جبهه دشمن را می‌سوزاند و خاکستر می‌کند. و آنچه این آتش‌فشان را مهار کرده است، فقط ادب و اطاعت عباس است. چاپ سی‌ام «سقای آب و ادب» توسط نشر نیستان منتشر شده و در بازار کتاب در دسترس مخاطبان قرار دارد.

حسین می‌داند که دشوارترین کار برای عباس، ننجیگدن است. بزرگترین شجاعت و مقاومت عباس، شهادت یاران را دیدن، دندان بر جگر فشردن و از جا ننجییدن است.

حسین می‌داند که بزرگترین شهامت عباس، دست بر قبضه شمشیر فشردن و شمشیر را در غلاف نگه داشتن است.

حسین به روشنی می‌فهمد که برترین ظرفیت عباس، سکوت و تبعیت در اوج قدرت و توانمندی است، صبر

در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

همین یک مشک آب، تمام حیثیت دشمن را لگدمال کرده است. دشمن گمان می‌کند که جبهه حسین اکنون بسان مختصری است که با نوشیدن آب، حیات تازه می‌گیرد، از جا برمی‌خیزد و دمار از روزگارشان درمی‌آورد. به همین دلیل، همه لشگر خود را حلقه حلقه دور شریعه متمرکز کرده است. اما ظاهر نخلستان، آرام و پیش روی عباس، خالی است.

ساعاتی پیش از این، وقتی عمده اصحاب حسین، به میدان رفته و به شهادت رسیده‌اند، عباس به محضر حسین رسیده است، سر فرو افکنده است و اجازه میدان گرفته است: «دلم گرفته است آقا! سینه‌ام تنگ شده است. قلبم دارد از شدت درد می‌ترسد. همینطور ایستاده‌ام و شهادت یارانمان را یک به یک تماشا می‌کنم. رخصت فرمایید لاقل به قدر گرفتن انتقام عزیزانمان از دشمن، بجنم».

از این تئمای شهامت‌بنیان و تضرع شجاعت‌نهان، اشک در چشمان حسین، حلقه زده است و بغض بر گلوی حسین، چنگ انداخته است.

از جمله حضرت علی(ع)، حضرت فاطمه(س)، ام‌البنین(س)، امام حسین(ع)، حضرت زینب(س) و حضرت سکینه(س) نام‌گذاری شده‌اند. سه فصل دیگر نیز با عنوان‌های «عباس مواسات»، «عباس ادب» و «عباس فرشتگان» به موضوعاتی چون وفاداری، ایثار و جایگاه معنوی ایشان اختصاص دارد.

سیدمهدی شجاعی درباره شیوه نگارش این اثر تأکید کرده است که روایت کتاب بر پایه منابع تاریخی و مستند شکل گرفته، اما در بخش‌هایی نیز از ظرفیت‌های ادبی و تخیل هنری برای پرداختن داستانی و فضاسازی بهره برده است؛ بخش‌هایی که با هدف تقویت جنبه‌های روایی اثر و بیان ارادت نویسنده به شخصیت حضرت عباس(ع) نوشته شده‌اند.

در بخشی از این کتاب، نویسنده با توصیف لحظات پیش از حرکت حضرت عباس(ع) به سوی شریعه فرات، صبر، اطاعت و خویشتنداری او را در برابر درخواست برای حضور در میدان نبرد به تصویر می‌کشد و این ویژگی‌ها را از برجسته‌ترین ابعاد شخصیت علمدار کربلا معرفی می‌کند.

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
رمان «سقای آب و ادب» نوشته سیدمهدی شجاعی، با محوریت زندگی و شخصیت حضرت عباس(ع)، از سوی نشر نیستان به چاپ سی‌ام رسید.

کتاب «سقای آب و ادب» نوشته سیدمهدی شجاعی، با انتشار چاپ سی‌ام از سوی نشر نیستان، بار دیگر در دسترس علاقه‌مندان به ادبیات عاشورایی قرار گرفت. این اثر پیش از این در مجموع ۳۰ نوبت چاپ، بیش از ۱۲۴ هزار نسخه منتشر شده است.

«سقای آب و ادب» روایتی داستانی از زندگی حضرت عباس بن علی(ع) است که نویسنده در آن، با ساختاری غیرخطی و رفت‌وبرگشت‌های زمانی، ابعاد مختلف شخصیت علمدار کربلا را روایت می‌کند. کتاب در ۱۰ فصل تنظیم شده و هر فصل از زاویه‌ای متفاوت، بخشی از ویژگی‌های اخلاقی، جایگاه خانوادگی و نقش حضرت عباس(ع) در واقعه عاشورا را به تصویر می‌کشد.

فصل‌های این کتاب با عنوان‌هایی برگرفته از شخصیت‌های تأثیرگذار زندگی حضرت عباس(ع)،

خاطرات را به یاد بیاور مامان‌بزرگ

درون‌مایه مهم، به‌روز، دغدغه‌مند و ارزشمندی دارد. کودکان امروز باید یاد بگیرند به اطراف خود به‌ویژه حال پدربزرگ و مادربزرگ‌شان توجه کنند و درباره آن‌ها بی‌تفاوت نباشند. این مسئله باعث می‌شود شادی و نشاط جمع‌های خانوادگی مانند قبل شود و خانواده‌ها هسته مرکزی تحولات شوند، نه یک امر حاشیه‌ای و فرعی.

توجه به پدربزرگ و مادربزرگ و به‌طور کل سالمندان، در فرهنگ ایرانی و اسلامی ما وجود داشته و دارد. بنابراین این کتاب می‌تواند به والدین ایرانی کمک کند تا کودکان خود را با این مسئله و به‌خصوص داشتن رفتار درست و مناسب با سالمندان مبتلا به فراموشی (آلزایمر)، آشنا کنند.

این کتاب زبان ساده و روان و تصاویر تکمیل‌کننده‌ای دارد که بیشتر حجم کتاب را گرفته‌اند. این موضوع باعث می‌شود کودکان با تصاویر درگیر شوند و دقت خود را در شناختن احساسات و جزئیات مکان‌ها و ... بالا ببرند. کتاب «آنا و مامان‌بزرگ میوه‌ای» علاوه‌بر

این فرد، پدربزرگ یا مادربزرگ‌شان باشد. کتاب «آنا و مامان‌بزرگ میوه‌ای» به همین موضوع می‌پردازد. این کتاب را کاترین هوفر وبر نوشته است و پگاه دورودیان برای کودکان فارسی‌زبان ترجمه کرده است. داستان این کتاب کودک درباره مامان‌بزرگ آناست. آنا یک مامان‌بزرگ شهری دارد که در شهر زندگی می‌کند و یک مامان‌بزرگ میوه‌ای که قبلاً در یک خانه و باغ بزرگ میوه در بیرون شهر زندگی می‌کرد؛ اما حالا او در خانه سالمندان است. مامان‌بزرگ به فراموشی مبتلا شده است و آنا این را نمی‌داند. آنا از تغییر رفتار مامان‌بزرگ ناراحت است. او دیگر مثل قبل با آنا مهربان نیست و به حرف‌هایش گوش نمی‌دهد و جوابش را نمی‌دهد. آنا تصمیم می‌گیرد دیگر به دیدنش نرود؛ اما تازه اینجاست که می‌فهمد مامان‌بزرگ میوه‌ای به فراموشی مبتلا شده است. او دیگر نمی‌خواهد ارتباطش با مامان‌بزرگ را قطع کند؛ بلکه حتی تصمیم می‌گیرد برای مامان‌بزرگ کاری انجام دهد؛ یک کار مهم. داستان کتاب «آنا و مامان‌بزرگ میوه‌ای» پیام و

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
کتاب «آنا و مامان‌بزرگ میوه‌ای»، داستانی برای کودکان درباره بیماری فراموشی و تغییر سبک زندگی و رفتار سالمندان مبتلا به آن است.

بیماری فراموشی (آلزایمر) در میان انسان‌ها شایع شده است. تا سال‌هایی نه‌چندان دور، این بیماری بیشتر افراد مسن و سالمند را درگیر می‌کرد؛ اما امروزه در میان سنین جوان‌تر نیز می‌توان نشانه‌های آن را دید. بیماری فراموشی مانند هر بیماری دیگری نشانه‌هایی دارد و راهکارهایی برای پیشگیری اما درمان قطعی ندارد. همچنین، این بیماری نیز مانند هر بیماری دیگری شرایط زندگی فرد مبتلا را تغییر می‌دهد و سبک زندگی‌اش را با قبل متفاوت می‌کند. بنابراین اطرافیان فردی که فراموشی گرفته است، باید با دقت و توجه بیشتری مراقب او باشند و با او رفتار کنند. بچه‌ها هم از این قاعده مستثنا نیستند. آن‌ها نیز باید یاد بگیرند که اگر فردی با این بیماری دریدند، بهترین رفتار را داشته باشند و تلاش کنند به او کمک کنند؛ به‌ویژه اگر

دوران جوانی‌اش فکر می‌کند.»

آنا با نگرانی می‌پرسد: «اینکه دکترها نمی‌توانند مامان‌بزرگ را درمان کنند، یعنی او زود از دنیا می‌رود؟» «نمی‌دانم، عزیزم. فقط می‌دانم که او هر بار از دیدنت خوشحال می‌شود. شاید نتواند این را نشان دهد، اما بدان که تو را خیلی دوست دارد.» انتشارات مه‌رسا، کتاب «آنا و مامان‌بزرگ میوه‌ای» به قلم کاترین هوفر وبر با تصویرگری تاتیانا می‌ویس را با ترجمه پگاه دورودیان در ۳۲ صفحه مصور رنگی و بهای ۱۱۰ هزار تومان برای کودکان سه تا هفت سال منتشر کرده است.



بیماری فراموشی سالمندان، به اهمیت خانواده و داشتن محبت و همدلی با اطرافیان اشاره می‌کند و کودکان را راهنمایی می‌کند تا افرادی دغدغه‌مند و مهربان شوند.

در بخشی از متن این کتاب می‌خوانیم:

مامان برای آنا توضیح می‌دهد: «مامان‌بزرگ هیچ‌وقت خوب نمی‌شود.»

آنا با ناراحتی می‌پرسد: «آخه چرا؟»

«بعضی از بیماری‌ها هستند که دکترها نمی‌توانند آن‌ها را درمان کنند. حداقل الان نمی‌توانند. حافظه‌ی مامان‌بزرگ دیگر مثل قبل خوب کار نمی‌کند. وقتی از او سؤال می‌پرسی یا عکسی را نشانش می‌دهی، چیزی به خاطر نمی‌آورد و چون اتفاقات را درست به یاد نمی‌آورد، نمی‌تواند به تو جوابی بدهد.»

آنا می‌خواهد بیشتر بداند: «پس مامان‌بزرگ تمام روز به چه فکر می‌کند؟»

مامان می‌گوید: «من هم چیز زیادی نمی‌دانم. اما بیشتر وقت‌ها به گذشته‌های خیلی دور و خاطرات

چگونه فقر، اخلاق اجتماعی را مچاله می‌کند؟



طرح نو؛ شیوا صفری

بازتولید آسیب‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای، ساختاری پیچیده و چندلایه دارد، اما اگر بخواهیم نخی نامرئی را دنبال کنیم که تار و پود برهکاری، اعتیاد، فروپاشی خانواده و سقوط اخلاقی را به هم متصل می‌کند، بدون شک به واژه‌ای بنیادین و ریشه‌دار به نام «فقر» می‌رسیم. فقر پدیده‌ای تک‌بعدی نیست که صرفاً در خالی بودن جیب‌ها خلاصه شود؛ فقر یک جریان فرساینده است که ابتدا معیشت، سپس کرامت و در نهایت هنجارهای یک جامعه را نشانه می‌رود. در جامعه‌ای که درصد قابل‌توجهی از شهروندان زیر خط بقا دست‌وپا می‌زنند، سخن گفتن از توسعه، امنیت روان‌شناختی و پایبندی به اصول اخلاقی، بیشتر به یک شوخی تلخ و فانتزی روشنفکرانه شبیه است تا واقعیت ملموس جامعه.

ریشه‌های فقر معمولاً در تاروپود ترکیبی از ناکارآمدی‌های اقتصادی، نابرابری‌های ساختاری، توزیع نامتعادل ثروت، تبعیض‌های سیستماتیک و غیبت سیاست‌های حمایتی جامع نهفته است. وقتی بیکاری افسارگسیخته با تورم مزمن ساختاری ترکیب می‌شود و دسترسی به آموزش باکیفیت و بهداشت مناسب به لوکس‌ترین کالای ممکن بدل می‌گردد، عملاً آسانسور طبقاتی جامعه قفل می‌شود. در چنین شرایطی، قشر ضعیف نه‌تنها توانایی ارتقای جایگاه خود را از دست می‌دهد، بلکه روزبه‌روز بیشتر در باتلاق تزلزل اقتصادی فرو می‌رود. این انسداد ساختاری، نقطه‌ی عزیمت جامعه به سمت نوعی آنومی و بی‌هنجاری مهارناپذیر است.

برای درک رابطه‌ی علّی و معلولی میان فقر و انحرافات اجتماعی، باید از پوسته‌ی آمارها عبور کرد و به عمق روان‌شناسی توده‌ها نگریست. ملموس‌ترین اثر فقر، ایجاد احساس سرخوردگی عمیق، تبعیض ساختاری و ناامیدی مطلق نسبت به آینده است. وقتی فردی در برابر نیازهای اولیه و زیستی خانواده‌اش مانند خوراک، مسکن و درمان درمانده می‌شود، مکانیزم‌های دفاع اخلاقی او به‌شدت تضعیف می‌گردند. در واقع، ناتوانی در دسترسی به کانال‌های مشروع و قانونی برای کسب درآمد و تحقق آرزوها، مسیرهای غیرقانونی و ناهنجار را به عنوان جایگزین‌هایی ناگزیر پیش روی افراد قرار می‌دهد.

جامعه‌شناسی جرم به ما می‌آموزد که بخش عمده‌ای از سرقت‌ها، گرایش به قاچاق مواد مخدر، نزاع‌های خیابانی و حتی خشونت‌های خانگی، بازتاب‌های مستقیم فشار اقتصادی طاقت‌فرسا بر روان شهروندان است. فقر، آستانه تحمل افراد را به حداقل می‌رساند و بستر را برای فوران خشم‌های فروخورده هموار می‌سازد. در مناطق حاشیه‌نشین و کم‌برخوردار، جایی که محرومیت با تراکم جمعیت و کمبود فضاهای فرهنگی و تفریحی گره می‌خورد، انحراف اجتماعی دیگر یک رفتار استثنایی نیست، بلکه به یک ابزار بقا یا خرده‌فرهنگ تحمیلی تبدیل می‌شود. اینجاست که اخلاق اجتماعی زیر چرخ‌دنده‌های بی‌رحم فقر مچاله می‌شود و ارزش‌های انسانی جای خود را به غریزه‌ی بقای محض می‌دهند.

و اما پیامدهای مهار نشدن فقر و به تبع آن جهش نرخ جرایم، به مرزهای مناطق محروم محدود نمی‌ماند؛ این شراره‌ها کل پیکره جامعه را می‌سوزاند. تسری انحرافات اجتماعی، اولین ضربه کاری را به «امنیت عمومی» و «اعتماد اجتماعی» وارد می‌کند. وقتی شهروندان احساس کنند که فضای عمومی ناامن است و سیستم‌های کلان توانایی تامین عدالت اقتصادی و فیزیکی را ندارند، سرمایه اجتماعی که چسب نگهدارنده یک ملت است، به سرعت ذوب می‌شود. سوءظن جایگزین همدلی می‌شود، دیوارها بلندتر می‌شوند و گسست طبقاتی عمیق‌تر از هر زمان دیگری خودنمایی می‌کند.

برای برون‌رفت از این چرخه خودتخریب‌گر، رویکردهای سنتی و صدقه‌پرور دیگر کارایی ندارند. مقابله با انحرافات اجتماعی بدون خشکاندن ریشه‌های اقتصادی فقر، آدرس غلط دادن و پاک کردن صورت مسئله است. دولت‌ها و نهادهای سیاست‌گذار موظفند دست به یک جراحی عمیق ساختاری بزنند؛ جراحی بزرگی که محورهای اصلی آن باید بر مدار خلق فرصت‌های شغلی پایدار، توزیع عادلانه منابع، تضمین آموزش رایگان و باکیفیت برای طبقات محروم و استقرار چتر حمایتی و بهداشتی فراگیر بچرخد. کاهش فاصله طبقاتی از طریق اصلاح نظام مالیاتی و بازتولید ثروت، کلیدی‌ترین گام برای احیای امید در رگ‌های جامعه است. هم‌زمان با این اقدامات ساختاری، تقویت نهادهای مدنی، توانمندسازی خانواده‌های آسیب‌پذیر و تزریق آگاهی‌های عمومی می‌توانند به عنوان پادتن‌هایی قدرتمند در برابر ویروس انحرافات عمل کنند. تا زمانی که ساختارهای کلان اقتصادی اصلاح نشوند، رفتارهای انحرافی بازتولید خواهند شد.

طرح نو؛ گروه گزارش

بخش نخست...

کاهش ازدواج و فرزندآوری، تغییر سبک زندگی ، گسترش فضای مجازی ، افزایش نقش های اجتماعی زنان ازجمله مهمترین تحولات جامعه امروز است.

تحولات پرشتاب اجتماعی و فرهنگی در سال‌های اخیر، همراه با گسترش فناوری‌های نوین و دگرگونی سبک زندگی، ابعاد مختلف زندگی زنان و خانواده را تحت تأثیر قرار داده است. این تحولات، پرسش‌ها و دغدغه‌های تازه‌ای را در حوزه‌هایی چون ازدواج، فرزندآوری، اشتغال و روابط خانوادگی ایجاد کرده و نیاز و ضرورت بازنگری در نگاه به مسائل زنان را بیش از گذشته نمایان ساخته است؛ موضوعی که نیازمند توجه جدی سیاست‌گذاران، پژوهشگران و رسانه‌ها است.

در همین راستا با راضیه مکوندی، پژوهشگر حوزه زنان و خانواده و فارغ‌التحصیل رشته مطالعات زنان و خانواده از دانشگاه الزهرا (س)، سال‌هاست فعالیت‌های علمی، پژوهشی و رسانه‌ای خود را بر بررسی تحولات مرتبط با زنان، خانواده و مسائل اجتماعی متمرکز کرده است گفتگو کردیم، مسیری که به گفته او، نه صرفاً از یک دغدغه دانشگاهی، بلکه از مواجهه با مسائل واقعی زنان و خانواده‌ها در جامعه شکل گرفته است.

دراین گفتگو تلاش کردیم دیدی واقع‌بینانه تر و حقیقی تر به مسائل زنان و خانواده داشته باشیم و برای دغدغه های روز جامعه زنان به صورت ریشه ای و تخصصی به دنبال چاره جویی باشیم. در ادامه مشروح این پرسش و پاسخ را میخوانید.

مادری و خانه‌داری از مهم‌ترین نقش‌های اجتماعی زنان هستند، اما بسیاری معتقدند این نقش‌ها هنوز آن‌طور که باید دیده و ارزش گذاری نشده‌اند. برای ارتقای منزلت اجتماعی و اقتصادی این نقش‌ها چه باید کرد؟

برای صحبت درباره مادری و خانه‌داری، ابتدا باید نگاه خودمان را نسبت به این موضوع اصلاح کنیم. گاهی در فضای امروز، این نقش‌ها یا کم‌اهمیت شمرده می‌شوند یا فقط از زاویه فداکاری و مسئولیت اخلاقی درباره آن‌ها صحبت می‌شود؛ در حالی که اگر به تاریخ جوامع نگاه کنیم، می‌بینیم نقش زنان در حفظ خانواده، انتقال فرهنگ، تربیت نسل‌ها و شکل‌گیری جوامع، همواره یک نقش اساسی و بنیادین بوده است.

از ابتدای شکل‌گیری جوامع انسانی، زن فقط یک عضو خانواده نبوده، بلکه یکی از مهم‌ترین عناصر شکل‌دهنده حیات اجتماعی بوده است. خانواده

به عنوان نخستین محیط تربیت و جامعه‌پذیری انسان، همواره با نقش زنان پیوند داشته است. بسیاری از ارزش‌ها، مهارت‌ها، سبک ارتباطی و حتی هویت فرهنگی افراد، نخستین‌بار در فضای خانواده شکل می‌گیرد و مادران در این فرآیند نقش مهمی دارند.

از نگاه دینی و فرهنگی نیز خلقت زن با هدف قرار گرفتن در یک نقش کم‌ارزش یا حاشیه‌ای تعریف نشده است. زن دارای شأن انسانی مستقل است و در کنار مرد، در ساختن جامعه و رشد انسان‌ها نقش دارد. بنابراین وقتی از مادری و خانه‌داری صحبت می‌کنیم، نباید آن را به معنای محدود کردن زن یا نادیده گرفتن توانایی‌های اجتماعی او بدانیم؛ بلکه باید این نقش‌ها را بخشی از انتخاب‌ها و هویت‌های مهم زنان بدانیم.

در طول تاریخ نیز زنان همواره برای به رسمیت شناخته شدن جایگاه خود در خانواده و جامعه تلاش کرده‌اند. حتی در جریان‌های مختلف حقوق زنان، یکی از موضوعات مهم این بوده که کارهای مراقبتی، تربیتی و خانگی که عمدتاً توسط زنان انجام می‌شود، به عنوان فعالیتی ارزشمند دیده شود و نادیده گرفته نشود. بسیاری از فعالان حقوق زنان در کشورهای مختلف تلاش کردند نشان دهند که کار خانگی «کار بدون ارزش» نیست و اگرچه همیشهِ در قالب شغل رسمی تعریف نشده، اما دارای اثر اجتماعی و اقتصادی است.

در نتیجه این تلاش‌ها، در بسیاری از کشورها سیاست‌هایی برای حمایت بیشتر از والدین و به‌ویژه مادران شکل گرفت؛ مانند مرخصی زایمان، حمایت از مادران شاغل، امکان انعطاف در ساعات کاری و توسعه خدمات مراقبتی برای کودکان. برای مثال، در برخی کشورهای اروپایی، نظام حمایت از خانواده به گونه‌ای طراحی شده که والدین بتوانند دوره‌ای از زندگی خود را به مراقبت از کودک اختصاص دهند، بدون



اینکه به‌طور کامل از بازار کار حذف شوند. این تجربه‌ها نشان می‌دهد که ارزش‌گذاری نقش مادری فقط با شعار اتفاق نمی‌افتد، بلکه نیازمند حمایت‌های واقعی اجتماعی و اقتصادی است. البته در این زمینه باید به یک نکته مهم توجه کنیم؛ حمایت از مادری و خانه‌داری نباید به این معنا باشد که زنان از حضور اجتماعی یا انتخاب‌های دیگر خود محروم شوند. تجربه جهانی هم نشان داده است که مسئله اصلی زنان، الزام به انتخاب یکی از نقش‌ها نیست؛ بلکه ایجاد شرایطی است که زنان بتوانند میان ابعاد مختلف زندگی خود تعادل ایجاد کنند.

در جامعه ایران نیز شرایط خاص فرهنگی، اجتماعی و مذهبی خودمان را داریم. خانواده همچنان جایگاه مهمی در فرهنگ ایرانی دارد و بسیاری از زنان، نقش مادری و مدیریت خانواده را بخشی مهم از هویت خود می‌دانند. در عین حال، زنان ایرانی در عرصه‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی نیز حضور گسترده‌ای پیدا کرده‌اند. بنابراین مسئله امروز این نیست که زنان فقط در خانه تعریف شوند یا فقط در عرصه اجتماعی دیده شوند؛ بلکه باید بتوانیم ارزش هر دو ساحت را به رسمیت بشناسیم.

یکی از مشکلات امروز این است که ارزش بسیاری از فعالیت‌های خانگی را فقط با معیار درآمد مستقیم می‌سنجیم. چون خانه‌داری معمولاً دستمزد مشخص ندارد، گاهی اهمیت آن کمتر دیده می‌شود؛ در حالی که اگر همین خدمات مانند مراقبت از کودک، تربیت، مدیریت خانواده و حمایت عاطفی در بیرون از خانه ارائه شود، هزینه اقتصادی قابل توجهی خواهد داشت. برای مثال، مادری که سال‌ها برای تربیت فرزند، ایجاد امنیت روانی در خانواده و همراهی با رشد او وقت می‌گذارد، در واقع در شکل‌گیری سرمایه انسانی جامعه نقش دارد. یا در شرایط بحرانی مانند جنگ‌ها و بحران‌های اجتماعی، معمولاً این خانواده است که نخستین محل حمایت و بازسازی روحی افراد می‌شود و زنان در بسیاری از موارد نقش محوری در حفظ آرامش و انسجام خانواده دارند. اما در کنار ارزش‌گذاری ارزشمند، باید مسائل واقعی زنان را هم ببینیم. نمی‌توان فقط از اهمیت مادری و خانه‌داری صحبت کرد، اما درباره فشارهای اقتصادی، فرسودگی، نبود حمایت اجتماعی یا تقسیم ناعادلانه مسئولیت‌های خانوادگی سکوت کرد.

برای ارتقای جایگاه مادری و خانه‌داری چند اقدام ضروری است و اول، باید در نگاه فرهنگی جامعه، این نقش‌ها به‌منزله فعالیت‌های ارزشمند اجتماعی دیده شوند، نه کارهایی بدیهی و بدون نیاز به حمایت؛ دوم، حمایت‌ها باید از مرحله شعار عبور کند و به زندگی واقعی زنان نزدیک شود؛ از حمایت‌های بیمه‌ای و اقتصادی گرفته تا خدمات اجتماعی؛ سوم، مسئولیت خانواده فقط بر دوش زنان قرار نگیرد و نقش پدران و مشارکت همه اعضای خانواده جدی‌تر دیده شود. و نکته چهارم این است که باید امکان انتخاب و انعطاف برای زنان فراهم شود تا بتوانند بر اساس شرایط زندگی خود مسیرشان را تنظیم کنند.

در نهایت، به نظر من جامعه‌ای موفق است که زن را فقط از یک زاویه نبیند. زن هم می‌تواند مادر باشد، هم در عرصه اجتماعی نقش‌آفرینی کند، هم دانشمند، کارآفرین یا فعال فرهنگی باشد. نگاه درست این است که این ابعاد را در مقابل هم قرار ندهیم. مادری و خانه‌داری اگر درست دیده و حمایت شوند، نه یک نقش محدودکننده، بلکه یکی از مهم‌ترین نقش‌های سازنده در آینده جامعه هستند.

در نهایت، به نظر من جامعه توانسته است برای این نسل، یک مسیر روشن و قابل پذیرش ترسیم کند؟ اگر دختر جوان احساس کند میان ارزش‌های خانوادگی، آرزوهای فردی، حضور اجتماعی و آینده شغلی او تعارض وجود دارد، ممکن است با نوعی دوگانگی مواجه شود. برای مثال، ممکن است دختری هم علاقه‌مند به تشکیل خانواده باشد و هم دغدغه رشد علمی و اجتماعی داشته باشد؛ مسئله اصلی این است که آیا ساختارهای فرهنگی و اجتماعی به او امکان جمع کردن این نقش‌ها را می‌دهند یا نه.

به نظر من راهکار، بازگشت به گذشته یا نادیده گرفتن تغییرات جدید نیست؛ بلکه باید بتوانیم میان هویت فرهنگی، نیازهای واقعی نسل جدید و تحولات جهان امروز گفت‌وگو ایجاد کنیم. دختران امروز بیش از هر چیز نیاز دارند دیده شوند، شنیده شوند و فرصت پیدا کنند هویت خود را بر پایه شناخت، انتخاب و آگاهی بسازند. در نهایت، مهم‌ترین دغدغه این نیست که نسل جدید شبیه نسل‌های قبل نیست؛ چون هر نسلی ویژگی‌های خودش را دارد. دغدغه اصلی این است که آیا می‌توانیم این نسل را برای ساختن آینده آماده کنیم یا نه. اگر ظرفیت‌های این نسل را بشناسیم و در کنار آن مهارت تحلیل، انتخاب و مسئولیت‌پذیری را تقویت کنیم، دختران امروز می‌توانند یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی

روایت چالش‌های زن امروز؛

سه اولویت اصلی برای آینده زنان چیست؟

آینده باشند.

هوش مصنوعی و فناوری‌های نو در حال تغییر بسیاری از ابعاد زندگی انسان هستند. از نگاه شما این تحولات چه فرصت‌ها و چه تهدیدهایی برای زنان، خانواده و نقش‌های اجتماعی زنان ایجاد می‌کند؟

مکوندی: من فکر می‌کنم درباره هوش مصنوعی و فناوری‌های نو باید از دو نگاه افراطی فاصله بگیریم؛ نه می‌توان آن را یک تهدید مطلق دانست و نه یک راه‌حل جادویی برای همه مسائل. همان‌طور که در گذشته فناوری‌های مختلف سبک زندگی انسان را تغییر داده‌اند، هوش مصنوعی نیز قرار است بخشی از واقعیت زندگی ما باشد. بنابراین پرسش اصلی این نیست که با هوش مصنوعی موافق باشیم یا مخالف؛ بلکه این است که چگونه از فرصت‌های آن استفاده کنیم و در عین حال برای چالش‌های احتمالی آماده باشیم.

در حوزه زنان، هوش مصنوعی می‌تواند فرصت‌های قابل توجهی ایجاد کند. یکی از مهم‌ترین فرصت‌ها، افزایش دسترسی به آموزش، مهارت‌آموزی و فعالیت‌های حرفه‌ای است. امروز یک زن در هر نقطه‌ای از کشور می‌تواند از طریق ابزارهای دیجیتال به آموزش‌های تخصصی دسترسی داشته باشد، کسب‌وکار خود را توسعه دهد یا در پروژه‌هایی مشارکت کند که پیش‌تر دسترسی به آن‌ها دشوارتر بود. این موضوع به‌ویژه برای زنانی که به دلایل مختلف امکان حضور مستمر در محیط‌های کاری سنتی را ندارند، می‌تواند فرصت‌های جدیدی ایجاد کند. در حوزه خانواده نیز فناوری می‌تواند برخی کارها را ساده‌تر کند. دسترسی سریع‌تر به اطلاعات آموزشی، خدمات مشاوره‌ای، آموزش مهارت‌های فرزندپروری یا حتی مدیریت بهتر برخی امور روزمره، از جمله ظرفیت‌هایی است که می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی خانواده‌ها کمک کند؛ اما در کنار این فرصت‌ها، باید به برخی ملاحظات هم توجه داشت. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها این است که هر فناوری جدیدی می‌تواند شکاف میان افرادی که مهارت استفاده از آن را دارند و کسانی که از آن عقب می‌مانند، بیشتر کند. اگر آموزش و سواد فناوریانه به‌درستی گسترش پیدا نکند، بخشی از جامعه ممکن است از فرصت‌های جدید کمتر بهره‌مند شود.

موضوع دیگر، مسئله کیفیت روابط انسانی است. خانواده در نهایت بر پایه ارتباط، گفت‌وگو، محبت و حضور واقعی افراد در کنار یکدیگر شکل می‌گیرد. فناوری می‌تواند ارتباط را تسهیل کند، اما نمی‌تواند جایگزین رابطه انسانی شود. بنابراین هرچه فناوری پیشرفته‌تر می‌شود، اهمیت مشارکت اجتماعی، پیشرفت فناوری نباید ما را از اهمیت این ابعاد غافل کند. از سوی دیگر، هوش مصنوعی می‌تواند به زنان فرصت دهد که بیش از گذشته صدای خود را به جامعه برسانند، شبکه‌های حرفه‌ای و علمی ایجاد کنند، دانش خود را گسترش دهند و در عرصه‌های مختلف اثرگذار باشند. این ظرفیت می‌تواند به افزایش مشارکت اجتماعی و علمی زنان کمک کند؛ البته به شرطی که همراه با آموزش، اخلاق حرفه‌ای و سواد رسانه‌ای باشد.

به نظر من مهم‌ترین مسئله این است که به جای ترس از آینده یا شیفتگی نسبت به فناوری، برای آینده آماده شویم. همان‌طور که نسل‌های گذشته با تحولات بزرگ صنعتی، رسانه‌ای و ارتباطی مواجه شدند، نسل امروز نیز با تحول هوش مصنوعی روبه‌روست. آنچه تعیین‌کننده خواهد بود، نه خود فناوری، بلکه نحوه استفاده ما از آن است. در نهایت، من هوش مصنوعی را بیش از آنکه یک تهدید یا فرصت مستقل بدانم، یک ابزار می‌بینم. این ابزار می‌تواند به توانمندسازی زنان، بهبود کیفیت زندگی خانواده‌ها و گسترش فرصت‌های آموزشی و حرفه‌ای کمک کند؛ اما هم زمان نیازمند آگاهی، سیاست‌گذاری هوشمندانه و توجه به ارزش‌های انسانی است. اگر این تعادل حفظ شود، می‌توان از مزایای فناوری بهره برد و در عین حال از پیامدهای ناخواسته آن نیز پیشگیری کرد.

ادامه دارد....

مدیرعامل شرکت توزیع برق استان:

۴۰۰۰متر از شبکه سیمی فرسوده آذربایجان غربی به کابل خودنگهدار تبدیل شد



وی ادامه داد: در حوزه مقابله با مصارف غیرقانونی،

۳ دستگاه استخراج رمز ارز (مایнер) غیرمجاز شناسایی و جمع‌آوری شد که جمع آوری ماینرهای غیرمجاز به ویژه در ایام پیک نقش مهمی در کاهش بار غیرمجاز شبکه دارد و این مهم در سایر روزهای غیراز مانور نیز با جدیت توسط شرکت توزیع نیروی برق آذربایجان غربی دنبال می شود.

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق آذربایجان‌غربی با اشاره به اجرای همزمان این مانور در سراسر کشور اظهار کرد: طرح ملی مهتاب با رویکردی عملیاتی و میدانی، مجموعه‌ای از اقدامات شامل پایش شبکه، شناسایی و برخورد با انشعابات غیرمجاز، اصلاح و بهینه‌سازی شبکه‌های توزیع، کنترل بار مشترکان و ارتقای بهره‌وری مصرف انرژی را دنبال می‌کند.

وی افزود: از ابتدای اجرای طرح ملی مهتاب تا کنون ۶ مانور سراسری در کشور و ۱۵ مانور استانی طرح در سطح استان آذربایجان غربی برگزار شده است.

طرح نو؛ گروه گزارش

مدیرعامل شرکت توزیع برق آذربایجان غربی گفت:

در قالب طرح مهتاب بیش از ۴ هزار متر از شبکه سیمی فرسوده استان به کابل خودنگهدار تبدیل شد.

طاهر کیامهر در گفتگو با خبرنگار ما در خصوص جزئیات ششمین مانور طرح ملی مهتاب در استان اظهار کرد: در بخش توسعه و ساماندهی شبکه، چهار هزار و ۲۴۲ متر از شبکه سیمی فرسوده به کابل خودنگهدار تبدیل شد که این اقدام علاوه بر افزایش پایداری، موجب کاهش تلفات انرژی و ارتقای ایمنی شبکه می شود.

وی همچنین از احصاء ۶۹۶ هزار کیلووات ساعت انرژی طی مانور یک روزه در سطح استان خبر داد و افزود: این مرحله از مانور با رویکردی عملیاتی و متمرکز بر شناسایی نقاط آسیب‌پذیر شبکه و برخورد با تخلفات پنهان مصرف برق دنبال شد که طی آن، ۱۳۹ مورد انشعاب غیرمجاز و ۷۴۸ کابل غیرمجاز در سطح استان شناسایی و جمع‌آوری شد.

کیامهر اضافه کرد: در بخش بهینه‌سازی و اصلاح زیرساخت‌های شبکه، ۱۱۷ دستگاه کنتور معیوب تعویض و ۳۲ دستگاه کنتور جدید نیز نصب شد و همچنین به منظور افزایش دقت پایش و کنترل مصرف، ۶ دستگاه شمارشگر در نقاط هدف نصب شد.

نصب ۳۶۶ دستگاه فیوز محدود کننده در آذربایجان غربی

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق آذربایجان غربی خاطر نشان کرد: از دیگر اقدامات اجرایی این مانور می‌توان به نصب ۳۶۶ دستگاه فیوز محدودکننده اشاره کرد که با هدف مدیریت بار و جلوگیری از مصرف‌های خارج از الگو اجرا شد.

خبر

اعزام ۱۰۰ پاکبان از ارومیه

برای میزبانی از زائران

مراسم تشییع رهبر

طرح نو؛ گروه خبر

شهردار ارومیه از اعزام ۱۰۰ پاکبان و تجهیزات خدمات شهری به تهران، همزمان با برگزاری مراسم تشییع، تدفین و آیین‌های وداع برای ارائه خدمات به زائران و شرکت‌کنندگان در این مراسم خبرداد.

آیدین رحمانی رضاییه افزود: در این راستا، ۱۰۰ پاکبان به همراه ماشین‌آلات و تجهیزات تخصصی سازمان مدیریت پسماند به تهران اعزام می‌شوند تا عملیات نظافت، رفت‌وروب و آماده‌سازی حرم مطهر حضرت امام خمینی(ره) و مسیرهای منتهی به محل برگزاری مراسم را بر عهده بگیرند.

وی افزود: موکب شهرداری ارومیه نیز از ۱۳ تا ۱۵ تیرماه در میدان جمهوری اسلامی تهران به‌صورت شبانه‌روزی به زائران خدمات رفاهی، پذیرایی و فرهنگی ارائه خواهد کرد.

رحمانی رضاییه با اشاره به پیش‌بینی برنامه‌های فرهنگی در محل استقرار موکب اظهار کرد: فضاسازی محیطی، توزیع اقلام فرهنگی و همکاری با هیئت‌های مذهبی از دیگر اقدامات در نظر گرفته‌شده برای این ایام است. شهردار ارومیه همچنین از استقرار موکب‌های شهرداری در تهران و مشهد خبر داد و گفت: این موکب‌ها به‌صورت شبانه‌روزی فعال خواهند بود و چند دستگاه اتوبوس نیز برای انتقال شهروندان متقاضی حضور در مراسم اختصاص یافته است.

رحمانی رضاییه افزود: مدیریت شهری تلاش کرده است با به‌کارگیری ظرفیت‌های خدماتی و لجستیکی خود، بخشی از نیازهای خدماتی زائران و شرکت‌کنندگان در این مراسم را تأمین کند.

شناسه آگهی: ۲۲۱۷۵۷۶

روزنامه طرح نو

دارد لذا بر این اساس طبق ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود که هرکس ادعایی نسبت به وجود ورقه مالکیت یا انجام هرگونه معامله را نزد خود دارد می تواند اعتراض خود را کتباً بمدت ۱۰ روز پس از انتشار آگهی به اداره ثبت اسناد و املاک چارواپماق تسلیم نماید . بدیهی است پس از انقضای مدت قانونی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد و به اعتراضات وارده در خارج از مدت ترتیب اثر داده نخواهد شد.

تاریخ انتشار : ۱۴۰۵/۰۴/۰۹

فرشید فرج زاده

رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان چارواپماق

شماره: ۱۴۰۵/۱۰۴/۲۰/۸۳۲

تاریخ: ۱۴۰۵/۰۴/۰۷

آگهی فقدان سند مالکیت

ششدانگ پلاک ۴۳ فرعی از ۹۳- اصلی از بخش ۱۳مراغه واقع در چارواپماق شهر قره‌آغاج تحت عنوان دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین که در صفحه ۱۶۸ دفتر جلد ۴۹ ذیل ثبت ۶۹۶۰ بنام آقای حامد رسولی ثبت و سند مالکیت تعویضی بشماره ۲۷۵۰۴۰ ب ۹۳ صادر و تسلیم گردیده است لذا مشارالیه با ارائه استشادهیه به شماره های ۵۳۰۲۸ و ۵۲۰۲۹ مدعی می باشد که سند مالکیت در اثر جابجایی مفقود گردیده و تقاضای سند مالکیت المثنی را

شماره: ۱۴۰۵۰۳۰۴۰۱۷۰۰۸۲۷

تاریخ: ۱۴۰۵/۰۴/۰۶

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی (نوبت اول)

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۵۰۳۰۴۰۱۷۰۰۵۹۳ مورخه ۱۴۰۵/۰۲/۳۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاند سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک اسکو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حبیب پاشائی مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک باب ساختمان مسکونی به مساحت ۹۱.۴۵ متر مربع مفروزی از پلاک شماره ۱۴۱۶

شماره: ۱۴۰۵/۱۰۴/۲۰/۸۳۰

تاریخ: ۱۴۰۵/۰۴/۰۷

« آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی » (نوبت اول)

برابر آراء صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی چارواپماق تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است . لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند ، میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ ثبت اعتراض ، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نموده و گواهی طرح دعوی را به اداره ثبت محل تسلیم نمایند .

آگهی از قریه قزل قلعه گورانلو تحت پلاک ۱۳۱ – اصلی از بخش شش زنجان

۱-آقای رضا فلاح فرزند احمد بشماره ملی ۶۳۶۹۶۵۲۴۰۷ برای ششدانگ یک باب ساختمان بمساحت ۲۱۴۰/۰۱ مترمربع از مالکیت براتعلی اسماعیل زاده .

آگهی از قریه یاربلاخی تحت پلاک ۱۹۶ – اصلی از بخش شش زنجان

۱- آقای جلال داده ده فرزند سعید اله بشماره ملی ۶۳۶۹۹۴۷۳۰۱ برای ششدانگ یک باب ساختمان مسکونی بمساحت ۱۸۸/۱۸مترمربع از مالکیت پدر خویش.

آگهی از قریه خواجه لر وسطی تحت پلاک ۲۱۱ – اصلی از بخش شش زنجان

۱-آقای لطف اله عزیزی فرزند محمد علی بشماره ملی

۶۳۶۹۴۹۸۹۶۳برای ششدانگ یک باب خانه مسکونی به مساحت۵۵۲مترمربع از مالکیت پدر خویش
۲-آقایان باقر و محمد رو به شهرت حیدری فرزندان صفرعلی بالمناصفه و پالسویه برای ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت۸۷۱/۹۴ مترمربع خریداری شده از اشرفعلی حیدری.

آگهی از قریه خواجه لر علیاه پلاک ۲۱۲ – اصلی از بخش شش زنجان

۱- آقای سرمست علی نژاد فرزند بهر علی بشماره ملی ۶۳۶۹۸۷۵۰۶۶برای ششدانگ یک باب ساختمان بمساحت۴۳۹/۹۱مترمربع از مالکیت رحیم قهرمانی

آگهی از قریه پیرعزیز تحت پلاک ۲۱۹ – اصلی از بخش شش زنجان

۱- آقای سیروس قلی پور فرزند حضرتقلی بشماره ملی ۶۳۶۹۴۴۷۵۹۵برای ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۳۸۰۰/۹۳۰مترمربع از مالکیت حضرتعلی قلی‌پور
۲- آقای سیروس قلی پور فرزند حضرتقلی بشماره ملی ۶۳۶۹۴۴۷۵۹۵برای ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۷۵۸۹۵/۲۳مترمربع از مالکیت حضرتعلی قلی پور
۳- آقای سیروس قلی پور فرزند حضرتقلی بشماره ملی ۶۳۶۹۴۴۷۵۹۵برای ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۹۲۳۱/۹۱مترمربع از مالکیت حضرتعلی قلی پور
۴- آقای سیروس قلی پور فرزند حضرتقلی بشماره ملی ۶۳۶۹۴۴۷۵۹۵برای ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۱۷۹۳/۷۶مترمربع از مالکیت حضرتعلی قلی پور
۵- آقای سیروس قلی پور فرزند حضرتقلی بشماره ملی ۶۳۶۹۴۴۷۵۹۵برای ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۵۱۳۳۷/۸۱مترمربع از مالکیت حضرتعلی قلی پور
۶- آقای سیروس قلی پور فرزند حضرتقلی بشماره ملی ۶۳۶۹۴۴۷۵۹۵برای ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۹۳۹۲/۱۲مترمربع از مالکیت حضرتعلی قلی پور

آگهی از قریه اورتاسو تحت پلاک ۲۲۵ – اصلی از بخش شش زنجان

بخش شش زنجان

۱- آقای هدایت علی زاده فرزند بال اوغلان بشماره ملی۶۳۶۹۳۹۱۵۶۵ برای ششدانگ یک باب ساختمان بمساحت۱۵۲۴/۹۸مترمربع از مالکیت ارسلان مغانلو.

آگهی از قریه قره کنای سفلی تحت پلاک ۲۰۲ – اصلی از بخش شش زنجان

۱- آقای هدایت اله مغانلو فرزند حسین بشماره ملی۶۳۶۹۳۶۰۴۷۳ برای ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۷۰۰۰/۹۹ متر مربع از مالکیت پدر خویش.

آگهی از قریه آلاچیق تحت پلاک ۹۸ – اصلی از بخش ۱۲ مراغه

۱-آقای مهدی دهمقانی فرزند مظفر بشماره ملی ۱۵۹۰۳۷۵۱۶۵ برای ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۶۵۹/۲۲مترمربع خریداری شده از بهراد بنیادی.

آگهی از قریه خلیج سفلی تحت پلاک ۱۸ – اصلی از بخش ۱۳ مراغه

۱-آقای میر صمد موسوی فرزند میر مهدی بشماره ملی ۶۳۶۹۲۸۹۷۱۱ برای ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۳۳۹۸/۱۳مترمربع از مالکیت حاج مهدی موسوی

آگهی از قریه دوه یاتاقی تحت پلاک ۱۹ – اصلی از بخش سیزده مراغه

۱- آقای بداله حیدری فرزند سلام اله بشماره ملی ۳۶۹۸۹۸۶۸۶برای ششدانگ یک باب ساختمان بمساحت ۱۴۹/۳۴مترمربع از مالکیت سلام اله حیدری

آگهی از قریه بلقان تحت پلاک ۵۹ – اصلی از بخش سیزده مراغه

۱- آقای علی مسلم پور اصل فرزند حسنعلی بشماره ملی ۳۶۹۸۴۵۵۵۴برای ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۱۰۱۴/۵۷مترمربع از مالکیت پدر خویش.
۲- آقای علی مسلم پور اصل فرزند حسنعلی بشماره

ملی ۶۳۶۸۸۴۵۵۵۴برای ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۴۹۶/۵۷مترمربع از مالکیت پدر خویش.

۳- آقای علی مسلم پور اصل فرزند حسنعلی بشماره ملی ۶۳۶۸۸۴۵۵۵۴برای ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۳۲۵۴/۶۷مترمربع از مالکیت پدر خویش.

۴- آقای علی مسلم پور اصل فرزند حسنعلی بشماره ملی ۶۳۶۸۸۴۵۵۵۴برای ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۵۸۸۴۵۵۵۴مترمربع از مالکیت پدر خویش.

۵- آقای علی مسلم پور اصل فرزند حسنعلی بشماره ملی ۶۳۶۸۸۴۵۵۵۴برای ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۸۶۵۷/۸۳مترمربع از مالکیت پدر خویش.

۶- آقای علی مسلم پور اصل فرزند حسنعلی بشماره ملی ۶۳۶۸۸۴۵۵۵۴برای ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۲۸۸۰/۱۹۶مترمربع از مالکیت پدر خویش.

۷- آقای علی مسلم پور اصل فرزند حسنعلی بشماره ملی ۶۳۶۸۸۴۵۵۵۴برای ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۲۶۳۸/۳۸مترمربع از مالکیت پدر خویش.

۸- آقای علی مسلم پور اصل فرزند حسنعلی بشماره ملی ۶۳۶۸۸۴۵۵۵۴برای ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۱۸۸۳/۲۸مترمربع از مالکیت پدر خویش.

آگهی از قریه ملاحمزه تحت پلاک ۱۶۳ – اصلی از بخش سیزده مراغه

۱- خانم زهره رضضانی فرزند ناصر بشماره ملی ۰۰۱۷۳۱۳۰۴۱ برای ششدانگ یک باب ساختمان مسکونی بمساحت ۵۴۹/۹۸مترمربع از مالکیت تهیمینه محمدیان.
۲- آقای ناصر رضضانی فرزند مجید بشماره ملی ۶۳۶۹۷۴۰۴۹۷ برای ششدانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۱۸۴۹/۰۰۳مترمربع از مالکیت پدر خویش.
۳- آقای ناصر رضضانی فرزند مجید بشماره ملی ۶۳۶۹۷۴۰۴۹۷ برای ششدانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۱۴۸۱/۵۲مترمربع از مالکیت پدر خویش.
۴- آقای ناصر رضضانی فرزند مجید بشماره ملی ۶۳۶۹۷۴۰۴۹۷ برای ششدانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۵۵۶/۱۵مترمربع از مالکیت پدر خویش.

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدرضا ربانی

آدرس تبریز: خیابان امام – مابین چهارراه منصور و میدان ساعت – جنب مسجد کیود

مجمع تجاری ابریشم – طبقه اول – واحد شماره ۹ شماره تماس: ۳۵۲۴۱۹۵۲

آدرس ارومیه: ابتدای خیابان سرداران ۱- پ ۲۲- طبقه ۳- واحد ۱۱

تلفکس: ۰۴۴-۳۲۲۴۸۵۸۸

لینتوگرافی و چاپ: پرنیان

رتبه ۳ در طرح رتبه بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

خبر

دبیر کمیسیون برنامه و بودجه شورای اسلامی شهر تبریز

تحقق کامل بودجه سال ۱۴۰۴ مرهون همگرایی بین شورا و شهرداری است



طرح نو؛ گروه شهری

دبیر کمیسیون برنامه و بودجه شورای اسلامی شهر تبریز از تصویب لایحه متمم بودجه سال ۱۴۰۴ شهرداری تبریز در صحن علنی شورا خبر داد.

احد صادقی اظهار کرد: لایحه متمم بودجه سال ۱۴۰۴ شهرداری تبریز در صحن علنی شورای اسلامی شهر مورد بررسی قرار گرفت و به تصویب اعضای شورا رسید.

وی با اشاره به افزایش بودجه شهرداری تبریز در سال جاری افزود: بودجه ۴۰ هزار میلیارد تومانی شهرداری در سال ۱۴۰۴، در قالب متمم با افزایش ۱۰ درصدی، به ۴۴ هزار میلیارد تومان رسیده است. دبیر کمیسیون برنامه و بودجه شورای اسلامی شهر تبریز با اشاره به شرایط خاص کشور در سال گذشته و مجوز وزارت کشور برای تأخیر در ارسال متمم بودجه، خاطرنشان کرد: با تلاش شهردار تبریز و مجموعه همکاران، بودجه سال گذشته با تحقق نزدیک به ۱۰۰ درصدی همراه بوده و امیدواریم در تفریق بودجه نیز شاهد تحقق بیش از ۱۰۰ درصدی باشیم.

احد صادقی ادامه داد: طی چهار سال گذشته در دوره ششم شورای اسلامی شهر، بودجه شهرداری تبریز از ۴ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۰ به ۴۴ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۴ افزایش یافته که این رشد ۱۰ برابری، حاصل همدلی و همراهی میان شورای شهر و شهرداری است.

صادقی، همگرایی میان مدیریت شهری و پارلمان شهری را عامل اصلی تحقق موفق بودجه دانست و تصریح کرد: نظارت و دیدگاه‌های کارشناسی اعضای شورای اسلامی شهر، نقش مؤثری در ارتقای انضباط مالی و بهبود عملکرد بودجه‌ای شهرداری داشته است.

گزارش

طرح نو

معاون فنی و عمرانی شهردار تبریز عنوان کرد:

تداوم نهضت آسفالت در تبریز با رویکرد توزیع متوازن و اولویت‌بندی معابر

طرح نو؛ گروه شهری

معاون فنی و عمرانی شهردار تبریز با اشاره به تداوم عملیات آسفالت‌ریزی در سطح مناطق دهگانه شهری گفت: اجرای برنامه‌های آسفالت‌ریزی در سال ۱۴۰۵ با رویکرد توزیع متوازن خدمات، اولویت‌بندی معابر نیازمند بهسازی و تسهیل در عبور و مرور شهروندان با جدیت در حال انجام است

مهدی نیکبخت افزود: اولویت‌های آسفالت‌ریزی مناطق سالانه در هیئت تخصصی آسفالت معاونت فنی و عمرانی شهرداری تبریز به تفکیک هر منطقه مورد بررسی قرار می‌گیرد و بر اساس میزان خرابی معابر، بازדיدهای کارشناسی و نیازسنجی‌های فنی، برای اجرای عملیات تصمیم‌گیری می‌شود. نیکبخت با بیان اینکه عملیات آسفالت‌ریزی،

لکه‌گیری و چاله‌زدایی از جمله برنامه‌های مستمر و اولویت‌دار مدیریت شهری در سال ۱۴۰۵ است، اظهارکرد: برنامه‌ریزی و اجرای این عملیات در سطح شهر علاوه بر مبنای درخواست‌های موردی بر اساس اولویت‌های اجرایی مشخص شده در هیات تخصصی آسفالت معاونت فنی و عمرانی شهرداری تبریز نیز احصا و جمع‌بندی می‌شود وی گفت: در این فرآیند، وضعیت موجود معابر از نظر میزان خرابی، فرسودگی آسفالت، حجم تردد، اهمیت مسیر، گزارش‌های کارشناسی، بازדיدهای میدانی و نیازهای اعلامی مناطق به‌طور دقیق بررسی شده و سپس بر اساس جمع‌بندی‌های فنی، اولویت‌های آسفالت‌ریزی هر منطقه تعیین می‌شود. وی ادامه داد: این رویکرد تخصصی موجب شده است عملیات آسفالت‌ریزی در سطح شهر

با نگاه هدفمند، توزیع متوازن خدمات و رعایت اولویت‌های واقعی معابر اجرا شود و در نتیجه، هم معابر اصلی و پرت تردد و هم محلات نیازمند بهسازی، بر چارچوب برنامه‌های مصوب از این خدمات بهره‌مند شوند. مهدی نیکبخت با اشاره به آخرین آمار ثبت‌شده در این حوزه خاطرنشان کرد: بر اساس گزارش عملکرد منتشرشده در سه‌شنبه هفته گذشته، مجموع آسفالت‌ریزی انجام‌شده از ابتدای سال جاری تاکنون به ۱۰۵ هزار تن در ۲۷۱ محله و معبر شهری رسیده است که این میزان، بیانگر استمرار خدمت‌رسانی عمرانی و عزم جدی مجموعه شهرداری تبریز برای بهسازی معابر در سطح مناطق مختلف شهری است. معاون فنی و عمرانی شهرداری تبریز تصریح کرد: بخشی از این عملیات در قالب آسفالت اساسی

شهردار منطقه ۲ تبریز خبر داد:

اجرای نازک کاری ساختمان اداری سالن ورزشی بلوار طوبی

طرح نو؛ گروه شهری

شهردار منطقه ۲ از اجرای نازک کاری ساختمان اداری سالن ورزشی بلوار طوبی خبر داد. عباس هاشمی با اعلام این خبر گفت: احداث سالن چندمنظوره ورزشی بلوار طوبی شهرک یاغچیان توسط معاونت فنی و عمرانی منطقه در مرحله بتن ریزی کف



و اجرای جایگاه تماشاگران خاتمه یافته و این پروژه به مرحله نازک کاری ساختمان اداری رسیده است. هاشمی، مساحت سالن چندمنظوره ورزشی بلوار طوبی را یک هزار و ۵۰۰ مترمربع و اعتبار اولیه آن ۳۰۰ میلیارد ریال اعلام کرد و افزود: این سالن ورزشی به علت همجواری با شهرک یاغچیان و نزدیکی به شهرک پرواز و

شمس آباد می‌تواند در راستای بهینه سازی اوقات فراغت نوجوانان و جوانان ورزشدوست مورد استفاده قرار گیرد. به گفته شهردار منطقه ۲ با بهره برداری از این پروژه، شهروندان علاقه مند به تحرکات مفید می‌توانند از امکانات سالن چندمنظوره ورزشی بلوار طوبی بهره مند شوند.

یادداشتی به بهانه صدور دستور شهردار تبریز برای نصب المان «تبریز، شهر جهانی فرش»؛

فرشی که جهان می‌شناسد، نمادی که تبریز ندارد

طرح نو؛ بیژن اقایبگی

تبریز شهری است که نامش با تار و پود فرش در حافظه جهان ثبت شده است؛ شهری که قرن‌ها پیش از آن‌که «برند» و «هویت شهری» به واژگان مدیریت شهری راه پیدا کند، هنر خود را در قالب قالی‌هایی به جهان صادر می‌کرد که هر گره‌شان روایتگر ذوق، صبر و شکوه فرهنگ ایرانی بود.

در بازار تاریخی تبریز و به‌ویژه در تیمچه مظفریه، فرش صرفاً یک صنعت نیست، بلکه دنیایی از نقش و رنگ، لچک و ترنج، گره و رج است؛ دنیایی که در آن دستان هنرمند بافندگان، ذوق طراحان و سنت دیرپای تجارت، پیوندی کم‌نظیر میان هنر، اقتصاد و فرهنگ شهری تبریز ایجاد کرده و این شهر را به یکی از شاخص‌ترین نمادهای هنر قالی‌بافی در ایران و جهان بدل ساخته است.

فرش از دیرباز در تبریز تنها به عنوان یک کالا شناخته نمی‌شد و به نوعی زبان شهر و امضای شهر محسوب می‌گردید. با این همه، پارادکس تلخی، سال‌هاست که در سیمای این شهر دیده می‌شود: تبریزی که جهان آن را با فرش‌های نفیشت می‌شناسد، در مناظرشهری خود هیچ نشانی درخور شان این هویت جهانی ندارد.

اقدام شهردار تبریز در صدور دستور طراحی و نصب المان «تبریز، شهر جهانی فرش» در ورودی شهر، حرکتی ستیجه‌ای و ستودنی در راستای پاسداشت هویت تاریخی و فرهنگی این شهر کهن است. این تصمیم، فراتر از یک اقدام عمرانی ساده، تلاشی آگاهانه برای روایت شکوه هنری تبریز در زبان کالبد شهر به شمار می‌آید. تبریز که نامش با تار و پود فرش‌های نفیس در جهان گره خورده، سزاوار آن است که این افتخار را در سیمای ورودی‌ها و نشانه‌های شهری خود به نمایش بگذارد. چنین المانی می‌تواند نخستین سلام فرهنگی تبریز به مسافران و گردشگران باشد؛ سلامی که از هنر، تاریخ و اصالت سخن می‌گوید. تحقق شایسته این



ایده، تنها مسئولیت مدیریت شهری نیست، بلکه وظیفه‌ای ملی برای همه ارکان مدیریت کشور است. فرش تبریز میراثی است که به تمام ایران تعلق دارد و نمادی از ذوق، صبر و خلاقیت ایرانیان در جهان به شمار می‌رود. از این‌رو، شایسته است برترین و فاخرترین نماد فرش در شهر تبریز برپا شود تا مایه غرور هر ایرانی و نشانی ماندگار از جایگاه جهانی این هنر اصیل باشد.

از این‌رو، طراحی و نصب المان «تبریز، شهر جهانی فرش» موضوعی نیست که با شتاب اداری و صرفاً در قالب یک پروژه پیمانکاری به سرانجام برسد. سخن از یک سازه تزئینی کنار جاده نیست؛ سخن از آفرینش نشانه‌ای شهری است که قرار است نخستین تصویر تبریز را در ذهن مسافران حک کند. ورودی شهر، پیشانی هویت آن است و اگر این پیشانی با اثری شتاب‌زده، کلیشه‌ای یا کم‌مایه آراسته شود، نه‌تنها فرصت معرفی شکوه تبریز از دست

نشانه‌ای برای روح یک شهر است. ورودی تبریز، آستانه ورود به تاریخ و هنر ایران است و نخستین تصویری که در ذهن مسافر می‌نشیند، می‌تواند سرنوشت روایت این شهر را رقم بزند. اگر این نشانه با شتاب و بی‌اندیشه ساخته شود، فرصتی طلایی از دست می‌رود؛ اما اگر با نگاهی بزرگ و جهانی خلق گردد، می‌تواند به افسانه‌ای شهری بدل شود. تبریز شایسته نمادی است که همچون تار و پود فرش‌هایش، روایتگر صبر، ظرافت و شکوه ایرانی باشد. امروز فرصتی کم‌نظیر پیش روی مدیران و مسئولان کشور قرار گرفته است: فرصتی برای خلق اثری که نه‌فقط در تبریز، بلکه در حافظه فرهنگی ایران ماندگار شود. بهره‌گیری از این لحظه، می‌تواند گامی بلند در مسیر جهانی‌تر شدن تبریز باشد؛ گامی که نشان دهد شهر جهانی فرش، نماد جهانی خود را نیز در تراز همان عظمت برپا کرده است.

پیشنهاد برگزار می‌شود مسابقه طراحی المان فرش تبریز در سطح جهانی، صرفاً یک آرمان‌گرایی هنری نیست؛ یک ضرورت مدیریتی، فرهنگی و حتی اقتصادی است. وقتی عنوان پروژه، «تبریز، شهر جهانی فرش» است، طبیعی است که فرآیند طراحی آن نیز باید در اندازه همین عنوان باشد. تبریز می‌تواند با برگزاری یک مسابقه بین‌المللی معماری، هنر شهری و طراحی منظر، از معماران، طراحان شهری، مجسمه‌سازان، هنرمندان مفهومی، طراحان نور، گرافیست‌های محیطی و حتی طراحان فرش از ایران و جهان دعوت کند تا ایده‌های خود را برای خلق این نشانه شهری ارایه دهند. چنین مسابقه‌ای نه تنها کیفیت طرح را بالا می‌برد، بلکه خود به یک رویداد فرهنگی و رسانه‌ای مهم تبدیل می‌شود؛ رویدادی که دوباره نام تبریز را در نسبت با فرش، هنر و شهر در سطح ملی و جهانی مطرح می‌کند.

برگزاری مسابقه‌ای جهانی برای طراحی المان «تبریز، شهر

پیامبر اکرم (ص):

هرگاه از برادرت سه خصلت دیدی، به او امیدوار باش: حیا، امانتداری، و راستگویی. و اگر اینها را ندیدی، به او امید مبند.

سه‌شنبه ۹ تیر ماه ۱۴۰۵ – سال بیستم – شماره ۳۵۷۶



و بخشی نیز در قالب لکه‌گیری و ترمیم موضعی اجرا می‌شود تا متناسب با شرایط فنی هر مسیر، مناسب‌ترین نوع مداخله عمرانی انتخاب و عملیاتی شود.

وی افزود: هدف اصلی از اجرای این برنامه‌ها، ارتقای کیفیت معابر، افزایش ایمنی عبور و مرور، کاهش مشکلات ناشی از خرابی سطح خیابان‌ها و پاسخ‌گویی مؤثر به مطالبات شهروندان در حوزه بهسازی معابر است.

معاون فنی و عمرانی شهرداری تبریز در پایان تأکید کرد: با تداوم هماهنگی میان این معاونت و مناطق دهگانه شهرداری، اجرای عملیات آسفالت‌ریزی در ادامه فصل کاری نیز بر اساس اولویت‌های مصوب، بررسی‌های کارشناسی و نیازهای واقعی هر منطقه با جدیت دنبال خواهد شد.

جهانی فرش» می‌تواند این پروژه را از چارچوب طرح‌های محدود اداری فراتر ببرد و میدان را به خلاقیت بزرگ‌ترین ذهن‌های معماری و هنر شهری بسپارد. فرش تبریز خود جهانی از معناست؛ از گره‌های صبورانه و تار و پودهای استوار تا ترنج‌های باشکوه و حاشیه‌هایی که روایت تاریخ و زیبایی‌اند. ترجمه این مفاهیم به زبان معماری و منظر شهری، تنها از دل رقابتی اندیشیده و تخصصی برمی‌آید؛ رقابتی که به جای یک حجم تزئینی ساده، امکان خلق فضایی شهری و ماندگار در ورودی تبریز را فراهم کند.

چنین فراخوانی می‌تواند معماران و هنرمندان برجسته جهان را در کنار استادکاران و طراحان فرش تبریز گرد هم آورد تا اثری پدید آید که هم ریشه در سنت هزارساله این هنر داشته باشد و هم با زبان معاصر جهان سخن بگوید. در آن صورت، المان ورودی جنوب‌شرق تبریز تنها یک سازه نمادین نخواهد بود؛ بلکه آستانه‌ای باشکوه برای ورود به شهری خواهد شد که زیبایی را با دست می‌بافد. امروز این یک پیشنهاد ساده نیست، بلکه مطالبه‌ای فرهنگی و ملی است: تبریز، پایتخت فرش جهان، باید نمادی در شأن همان عظمت داشته باشد.

فرش تبریز با شتاب بافته نشده است؛ هر گره آن حاصل صبر، ظرافت و دانشی نسل‌به‌نسل است. پس نماد شهری آن نیز نباید شتاب‌زده و کم‌مایه متولد شود. المانی که نام فرش تبریز را بر خود می‌گیرد، باید همچون قالی نفیسی باشد که تارهایش از هنر، معماری، اندیشه و عشق به این شهر در هم تنیده‌اند. تبریز، پایتخت فرش جهان، سزاوار نشانه‌ای است در تراز همین شکوه؛ نشانه‌ای که در ورودی شهر بایستد و به جهان بگوید اینجا سرزمین بافندگان زیبایی است.

از این‌رو انتظار می‌رود شهرداری تبریز این فرصت تاریخی را به یک رویداد بزرگ ملی – بین‌المللی تبدیل کند: فراخوانی فراگیر برای معماران، هنرمندان شهری، طراحان فرش، مجسمه‌سازان و طراحان نورپردازی تا بهترین ایده‌ها برای ورودی جنوب‌شرق شهر ارایه شود. چنین رقابتی، با داوری چهره‌های معتبر، می‌تواند تبریز را دوباره در کانون توجه جهانی قرار دهد. امروز لحظه‌ای تعیین‌کننده است؛ لحظه‌ای که مدیران کشور می‌توانند با خلق باشکوه‌ترین نماد فرش، نام تبریز را یک بار دیگر در نقشه فرهنگی جهان برجسته کنند.